



تنها در پانزده روز گذشته بیش از ۱۴ هزار خانواده آواره شده‌اند



گسترش دامنه جنگ در کشور، زنده‌گی را برای شهروندان دشوار کرده است. آمارهای وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان نشان می‌دهد که تنها در پانزده روز گذشته بیش از ۱۴ هزار خانواده به دلیل جنگ، خانه‌هایشان را ترک کرده و به مناطق امن مسکن گزیده‌اند. بر بنیاد اطلاعات این وزارت، بیش‌تر بی‌جا شده‌گان از ولایت‌های کندز، بغلان، تخار، جوزجان، هلمند، لغمان، پکتیا و غزنی بوده‌اند. وزارت مهاجرین تصریح می‌کند که این وزارت بسته‌های کمکی مواد غذایی و غیرغذایی را در اختیار خانواده‌های بی‌جا شده قرار داده و به مشکلاتشان رسیده‌گی کرده است. هم‌زمان با افزایش تشدید حملات طالبان و وخیم شدن اوضاع، دولت امریکا نیز یک بسته کمکی ۱۰۰ میلیون دلاری را برای رسیده‌گی به وضعیت بی‌جا شده‌گان در نظر گرفته است.



تسلط طالبان بر هفت گذرگاه تجارتي؛

عملیات بازپس‌گیری با تجدید قوا آغاز می‌شود

استعاره زنده‌گی ما، استعاره زنده‌گی طالب

جنايات ديوانه‌وار طالبان

گروه طالبان در مالستان غزنی همان رفتاری را داشته که در دهه نود در یکولنگ و مزار شریف داشته است. جنگ‌جویان این گروه مردم ملکی را در ولسوالی مالستان به رگبار بسته و دکان‌های آنان را مسدود کرده و به آتش کشیده‌اند. آنان مردم محل را مورد آزار و اذیت قرار داده و حتا کودکان را با سیلی زده‌اند. دلیل کشتار مردم ملکی در مالستان عدم همکاری با طالبان بوده است.



امرالته صالح: قطعه سرخ طالبان توسط رییس ستاد ارتش پاکستان هماهنگ و مدیریت می‌شود

این گروه تعلیمات اساسی و پیش‌رفته توسط اردوی پاکستان می‌بینند و از نظم بهتری برخوردارند. به همین ترتیب، به گفته صالح در کتگوری دوم، بقایای القاعده که به «جز کشتار و بی‌رحمی» خصلت دیگری ندارند، حضور دارند. به باور او، این جنگ‌جویان القاعده کشتار در افغانستان را دروازه بهشت می‌دانند.

مراعات نمودن محرمیت عملیاتی، زیاد گشت‌وگذار نمی‌کنند. او افزوده است که ساحات که تصرف می‌شود، توسط گروه‌های محلی زیر نام کمیسیون نظامی حفظ می‌شود. به گفته او این طیف جنگ‌جویان طالب، تعلیمات و تجهیزات اساسی ندارند.

صالح هم‌چنان گفته است که طالبان جنگ‌جویانی که تازه به این گروه پیوسته، بین مردم ترس و وحشت ایجاد می‌کنند. به باور او این طیف طالبان به غیر گذاشتن اسلحه روی شانه‌هایشان، مهارت دیگر ندارند.

۸ صبح، کابل: امرالته صالح، معاون اول رییس جمهور ترکیب قوای نظامی گروه طالبان را شرح داده و گفته است که قطعه سرخ این گروه توسط رییس ستاد ارتش پاکستان هماهنگ و هم‌خط‌سازی می‌شود.

معاون اول رییس جمهور روز دوشنبه، چهارم اسد، در صفحه فیس‌بوکش نوشته است که طرح تهاجم، رهنمای استراتژیک، هماهنگی و هم‌خط‌سازی قطعات سرخ طالبان، توسط ستردرستیز پاکستان (رییس ستاد ارتش پاکستان) انجام می‌شود.

او افزوده است که در عین حال، استخبارات پاکستان جنگ‌جویان طالب را به‌طور مداوم و بدون وقفه با کاروان‌های کوچک اکمال می‌کند. هم‌چنان صالح گفته است که صاحب منصبان پاکستانی دستورهای عملیاتی را با استفاده از وسایل ارتباطی و اتکا به نقشه‌های گوگل صادر می‌کنند و به این ترتیب نیاز ندارند که به صحنه جنگ حضور یابند.

معاون اول رییس جمهور گفته است: «اعضای قطعه سرخ طالبان نقاب دارند، زیرا از عواقب جنایات خود ترس دارند و چون محلی نیستند از افشای هویت خود بازم می‌ترسند و به‌خاطر



آواره‌گان اندخوی:

گرسنه‌گی و بی‌سپیناهی ما را تلف خواهد کرد



با بوی بهار و شروع سال تعلیمی، حیدر نبرد با شور و شوق خاصی برای ادامه تحصیلش از ولسوالی اندخوی به سوی ولایت بلخ کوله‌بار سفرش را می‌پندد. نبرد دانشجوی سال سوم دانشکده ادبیات فارسی در دانشگاه بلخ است. حیدر نبرد دو ماه از سمستر ششم سال سوم تحصیلی‌اش را می‌گذراند که وزارت تحصیلات عالی به هدف جلوگیری از شیوع بیش‌تر موج سوم کرونا، دانشگاه‌ها را تعطیل می‌کند.

پرواز های کابل استانبول و برعکس آن
هر هفته به روز های جمعه

قیمت تکت رفت
190 USD



جلوگیری از سقوط، مهم تر از آزادسازی مناطق تحت اشغال است

لوید آستین، وزیر دفاع امریکا، در شروع هفته جاری به دولت افغانستان پیشنهاد داد که به جلوگیری از پیشروی گروه طالبان اولویت بدهد. او گفت که برنامه پس‌گیری ساحات از دست رفته باید به دنبال کند کردن سرعت پیشروی گروه طالبان پی‌گیری شود. احتمالاً افزایش حملات هوایی نیروهای امریکایی علیه مواضع و جنگ‌جویان طالبان با همین پیشنهاد مرتبط است. کنت مکنزی، فرمانده سنتکام، نیز هشدار داده است که گروه طالبان با ادامه حملات، آماج حملات هوایی بیش‌تر قرار خواهد گرفت. هدف از این هشدار نیز تلاشی برای پیش‌گیری از پیش‌روی سریع گروه طالبان در جنگ با دولت افغانستان است. مقام‌های امریکایی در حالی بر اولویت کند کردن سرعت پیش‌روی گروه طالبان تأکید دارند که رییس‌جمهور غنی به‌تازگی از تهیه یک برنامه برای تغییر وضعیت جنگ در جریان سه تا شش ماه آینده خبر داده است. هرچند جزئیات این برنامه تا کنون فاش نشده، اما گفته می‌شود که آزادسازی مناطق استراتژیک تحت اشغال گروه طالبان، بخشی از این برنامه است. پیشنهاد لوید آستین احتمالاً واکنشی به همین برنامه است که توسط اشرف غنی در روز عید قربان در کابل اعلام شد.

نیروهای امریکایی از دهم حوت ۱۳۹۸ - روز امضای توافق‌نامه امریکا و طالبان - تا کنون حملات هوایی زیادی علیه مواضع و جنگ‌جویان طالبان در ولایت‌های مختلف از جمله هلمند، میدان وردک و قندهار انجام داده‌اند. این حملات عمدتاً به منظور کاهش فشار روی نیروهای دولتی افغانستان و عقب‌زدن حملات تهاجمی طالبان انجام شده است. هدف اصلی حملات هوایی امریکا در این مدت، پیش‌گیری از پیش‌روی طالبان و جلوگیری از سقوط مراکز شهرها و یا تأسیسات بزرگ دولتی به دست این گروه بوده است. با وعده‌ای که کنت مکنزی داده است، احتمالاً حملات هوایی نیروهای امریکایی تا پایان ماه اگست باز هم تکرار خواهد شد.

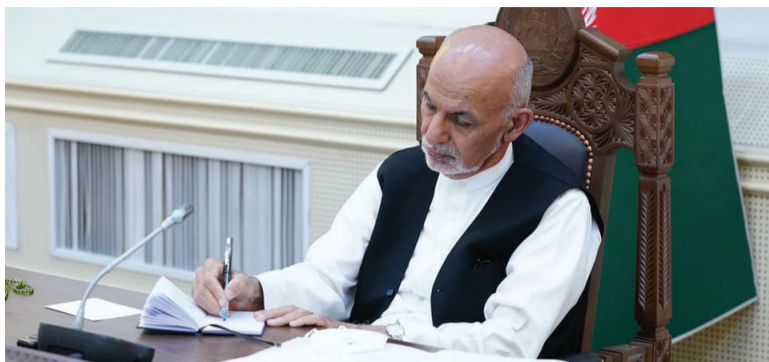
اما با خروج کامل نیروهای بین‌المللی از افغانستان، امکان چنین حملاتی برای نیروهای امریکایی محدود خواهد شد. امریکایی‌ها قبلاً گفته بودند که با تهدیدات تروریسم در افغانستان از پایگاه‌های این کشور در منطقه مبارزه خواهند کرد. هدف آن‌ها از مبارزه با تهدیدات تروریسم، تهدیداتی است که از سوی القاعده و داعش برای امریکا و متحدان آن کشور متصور است. گروه طالبان برای این کشور دیگر یک گروه تروریستی نیست و اشتهای رویارویی مستقیم با این گروه پس از تکمیل برنامه خروج، در وجود امریکا دیده نمی‌شود. به این ترتیب، این تنها نیروهای دولتی افغانستان هستند که باید از پیش‌روی گروه طالبان و سقوط شهرها به دست این گروه پیش‌گیری کنند.

پیشنهاد وزیر دفاع امریکا برای دولت افغانستان یک پیشنهاد منطقی است. مناسب‌ترین اقدام در شرایط فعلی برای دولت افغانستان، پیش‌گیری از سقوط شهرها، گذرگاه‌های بیش‌تر، تأسیسات بزرگ و مناطق استراتژیک دیگر به دست طالبان است. حمایت هوایی نیروهای امریکایی تا پایان ماه اگست یک فرصت طلایی برای دولت افغانستان برای رسیدن به استقرار نظامی است. دولت با استفاده از این فرصت، باید جلو پیش‌روی طالبان را سد و قدرت خود بر حفظ شهرها، تأسیسات حیاتی، گذرگاه‌ها و مناطق استراتژیک متمرکز کند.

آزادسازی مناطق تحت اشغال در حالی که یک هدف متعالی است، برای دولت افغانستان فعلاً مقدور نیست. حتی اگر نیروهای ارتش با حمایت نیروهای خیزش مردمی به آزادسازی این مناطق موفق هم شوند، توان حفظ آن را برای مدت طولانی نخواهند داشت. در این حالت، تنها اتفاقی که رخ خواهد داد، دست‌به‌دست شدن متوالی این مناطق است که توان نیروهای ارتش و رزمندگان داوطلب را تحلیل خواهد برد. بنابراین، عملیات آزادسازی مناطق تحت اشغال، بدون آن‌که دولت برنامه‌ای برای استقرار دایمی آماده کرده باشد، یک اشتباه است.

پس زدن گروه طالبان از مناطق تحت اشغال، برای یک مدت کوتاه و به هدف استفاده تبلیغاتی و یا سیاسی، کمکی به استقرار کلی دولت نخواهد کرد. دولت به همان ساده‌گی که قبلاً این مناطق را از دست داد، دوباره از دست خواهد داد. بنابراین، مهم‌ترین اولویت برای دولت در شرایط کنونی، قرار یافتن و توقف حرکت رو به جلو گروه طالبان است. این کار با توجه به این‌که حمایت هوایی نیروهای امریکایی تا کنون موجود است، زیاد دشوار نیست. پس از این مرحله، کار آزادسازی مناطق تحت اشغال باید تابع یک برنامه منظم و با اهداف روشن انجام شود. این برنامه باید ضمانت کند که مناطق آزادشده دوباره به دست طالبان سقوط نمی‌کند و دولت نیروی کافی برای حفاظت از آن در اختیار دارد. در غیر این صورت، جنگ نیروهای ارتش و یا نیروهای خیزش مردمی برای آزادسازی مناطق تحت اشغال، سودی برای دولت نخواهد داشت.

رییس‌جمهور غنی: با هجوم تروریسم بین‌المللی مواجه هستیم



۸ صبح، کابل: محمد اشرف غنی، رییس‌جمهور کشور می‌گوید که ماحول تغییر کرده و افغانستان با هجوم تروریسم بین‌المللی مواجه است. رییس‌جمهور غنی، روز دوشنبه، چهارم اسد، جلسه آماده‌گی بورد مشترک نظارت و انسجام (JCMB) را برگزار کرد. او در این جلسه گفت که افغانستان در سال جاری با هجوم تروریسم بین‌المللی مواجه است. رییس‌جمهور اما اطمینان داد که جمهوریت حفظ می‌شود، زیرا به باور او جامعه جهانی در کنار مردم افغانستان ایستاده است. غنی هم‌چنان از آماده‌گی ادارات دولتی برای جلسه بورد مشترک نظارت و انسجام ستایش کرد و گفت، علی‌رغم این‌که افغانستان در سال جاری

امنیت ملی چهار خبرنگار محلی در قندهار را بازداشت کرده است



۸ صبح، کابل: انجمن خبرنگاران آزاد افغانستان گفته است که ریاست امنیت ملی قندهار چهار روزنامه‌نگاری را که برای تهیه گزارش تحقیقی از کشتار غیرنظامیان به دست طالبان به اسپین بولدک ولایت قندهار رفته بودند، بازداشت کرده است. انجمن خبرنگاران آزاد افغانستان روز دوشنبه، چهارم اسد با نشر اعلامیه‌ای گفته است که این خبرنگاران حین بازگشت از ولسوالی اسپین بولدک، در شهر قندهار مرکز این ولایت، بازداشت شده‌اند. در همین حال، صدیق الله توحیدی، رییس کمیته مصونیت خبرنگاران به روزنامه ۸ صبح با تأیید این خبر گفت که سه تن از خبرنگاران به شمول مدیر مسوول «رادیو صدای ملت» در قندهار از سوی امنیت ملی بازداشت شده‌اند. به گفته توحیدی این خبرنگاران خلاف توصیه

فرمانده سنتکام بر ادامه حملات هوایی در حمایت از نیروهای امنیتی افغان تأکید کرد

۸ صبح، کابل: وزرات دفاع ملی اعلام کرده است که بسم الله محمدی، سرپرست این وزارت با جنرال کنت مکنزی، رییس ستاد فرماندهی مرکزی ارتش ایالات متحده امریکا دیدار و گفت‌وگو کرده است.



در اعلامیه وزارت دفاع ملی که روز دوشنبه، چهارم اسد، نشر شد، آمده است که جنرال کنت مکنزی، فرمانده سنتکام از ادامه کمک‌ها و همکاری‌های امریکا با نیروهای امنیتی افغانستان به ویژه نیروهای هوایی کشور اطمینان داده است. مک کینزی در این دیدار گفته است که برای پشتیبانی از نیروهای امنیتی افغانستان به حملات هوایی خود بر مواضع طالبان ادامه خواهد داد. در همین حال، بسم الله محمدی، سرپرست وزارت دفاع ملی در دیدار با جنرال کنت مکنزی، رییس ستاد فرماندهی مرکزی ارتش امریکا از کمک و همکاری نظامی این کشور با نیروهای دفاعی و امنیتی قدردانی کرده است. محمدی ادامه همکاری‌های امریکا با نیروهای امنیتی و هوایی افغانستان را برای مبارزه با تروریسم بسیار موثر و مهم خوانده است.

سختگوی نیروهای امنیتی: در یک هفته اخیر بیش از ۱۵۰۰ طالب کشته شده‌اند

۸ صبح، کابل: سختگوی عمومی نهادهای امنیتی می‌گوید که در جریان یک هفته گذشته، بیش از یک هزار و ۵۰۰ طالب در نبرد با نیروهای امنیتی کشته شده‌اند. اجمل عمر شینواری، سختگوی نیروهای امنیتی روز دوشنبه، چهارم اسد، در یک نشست خبری گفت که نیروهای امنیتی در یک هفته گذشته ۱۵۴ عملیات را به گونه مشترک در سراسر کشور انجام داده‌اند که در نتیجه آن، یک هزار و ۵۲۸ جنگ‌جوی طالب کشته و ۸۰۱ یک جنگ‌جوی دیگرشان زخمی شده‌اند. هم‌چنان او افزود که در همین معیاد زمانی، طالبان ۱۴ غیرنظامی را کشته و ۲۹ تن دیگر را زخمی کرده‌اند.



هم‌چنان او تأیید کرد که طالبان در ولسوالی اسپین بولدک ولایت قندهار، ۴۰۰ غیرنظامی را از خانه‌هایشان بیرون کرده و سپس ۱۰۰ تن‌شان را به رگبار بسته‌اند. به گفته او گروه طالبان در ولسوالی مالستان ولایت غزنی نیز شماری از غیرنظامیان را کشته است. وی افزود که تعدادی زیادی از تأسیسات عام‌المنفعه در مناطقی که در آن جنگ جریان دارد، از سوی این گروه ویران و یا آتش زده شده است.

عمر شینواری گفت سختگوی عمومی نهادهای امنیتی خاطرنشان کرد که هیچ تغییری در رویکرد جنگی طالبان به میان نیامده است و این گروه هم‌چنان به نقض حقوق بشر و موازین جنگی ادامه می‌دهد. سختگوی عمومی نهادهای امنیتی کشور تصریح کرد که نیروهای امنیتی و دفاعی کشور از حالت دفاعی به حالت تهاجمی در آمده‌اند و به زودی دستاوردهای زیادی در میدان جنگ به دست خواهند آورد.

با این حال، او تأکید کرد که مبارزه با تروریسم تنها مسوولیت افغانستان نیست بلکه مسوولیت تمام کشورهای جهان است. طالبان تاکنون به این گفته‌ها واکنش نشان نداده‌اند. پیش‌تر سختگوی گروه طالبان کشتار غیرنظامیان در قندهار و مالستان را رد کرده بود.

راس ویلسن:

طالبان نسبت به زنده‌گی غیرنظامیان در افغانستان بی‌تفاوت هستند



۸ صبح، کابل: سرپرست سفارت امریکا در کابل گفته است که خاموشی و تاخیر گروه طالبان در گفت‌وگوهای معنادار صلح، نشان دهنده بی‌تفاوتی این گروه نسبت به زنده‌گی غیرنظامیان در افغانستان است.

راس ویلسن، سرپرست سفارت امریکا در کابل روز دوشنبه، چهارم اسد، در توییتی با هشتکی زیر عنوان «همین حالا آتش‌بس» گفته است که مردم افغانستان هرروز کشته می‌شوند و این کشور بیش‌تر ویران می‌شود. ویلسن افزوده است که تنها راه توقف خشونت‌ها و ویرانی در افغانستان تلاش‌های خیرخواهانه در میز مذاکرات صلح است. سرپرست سفارت امریکا از طالبان خواسته است که خشونت و جنگ را متوقف کنند و به آتش‌بس تن دهند.

تسلط طالبان بر هفت گذرگاه تجارتي؛

عملیات بازپس‌گیری با تجدید قوا آغاز می‌شود



حسین حدادی

حدود سه هفته می‌شود که گروه طالبان بر هفت گذرگاه تجارتي در ولایت‌های هرات، فراه، تخار، کندز، قندهار و پکتیا تسلط پیدا کرده‌اند. برای اولین بار، شیرخان بندر، مهم‌ترین گذرگاه مرزی در شمال کشور، به دست گروه طالبان افتاد. این بندر که در ولسوالی امام‌صاحب ولایت کندز موقعیت دارد، از نظر زیرساخت‌ها یکی از بنادر خوب به حساب می‌آید. وزارت مالیه می‌گوید که در حال حاضر در گذرگاه‌های اسلام‌قلعه، تورغندی، ابونصر فراهی، اسپین‌بولدک، آی‌خانم، دند پتان و شیرخان بندر، هیچ نوع فعالیت گمرکی ندارند. محمدرفعی تابع، سخنگوی این وزارت، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که این امر روی عواید دولت و تجارت تاثیر منفی گذاشته است. به گفته وی، وزارت مالیه در ماه جوزای سال روان، از گذرگاه‌های تجارتي هفت میلیارد و ۳۰۰ میلیون افغانی درآمد داشته، اما این رقم در ماه سرطان به چهار میلیارد و ۶۰۰ میلیون افغانی کاهش یافته است. براساس این آمار، وزارت مالیه دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون افغانی درآمدش را از این هفت گذرگاه در این مدت از دست داده است.

آمارهای وزارت مالیه نشان می‌دهد که در جریان شش ماه اول سال روان مالی، ۴۱ میلیارد افغانی عواید جمع‌آوری شده است. سخنگوی وزارت مالیه می‌گوید که تا اول ماه سرطان حدود ۳۰۵ میلیارد افغانی از اسلام‌قلعه و ۲۰۴۸ میلیارد افغانی از بندر ابونصر فراهی عاید جمع‌آوری شده است. به گفته او، وزارت مالیه در نظر دارد تا در سال روان مالی حدود ۲۱۶۰۵ میلیارد افغانی عواید از حدود ۳۰ گمرک و بندر تجارتي جمع‌آوری کند.

در همین حال اجمل عمر شینواری، سخنگوی مشترک نهادهای امنیتی، می‌گوید در ساحتی که تهدیدات امنیتی بلند است، نیروهای ما به حالت دفاعی قرار گرفته‌اند. آقای شینواری افزود: «در قدم نخست ما



مواد اولیه از طریق دهلیزهای هوایی، هزینه‌بر است و به نفع دولت و مردم نیست.

فعالیت در گذرگاه‌های تجارتي زیر تسلط طالبان چگونه است؟

مسئولان اتاق‌های تجارتي و سرمایه‌گذاری ولایت‌های هرات و قندهار می‌گویند که فعالیت گذرگاه‌های اسلام‌قلعه، تورغندی و اسپین‌بولدک که تحت تسلط گروه طالبان قرار دارد، عادی است.

سعید عظیمیان، معاون اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات، می‌گوید که در حال حاضر مشکل خاصی در این گذرگاه‌ها وجود ندارد، اما هر موتری که از این بندر عبور می‌کند، طالبان با توجه به نوعیت جنس از ۱۵ الی ۵۰ هزار افغانی محصول می‌گیرند. آقای عظیمیان می‌افزاید که پیش از این طالبان در شاهراه کابل - هرات در ساحات فرارود و دلارم گمرک داشتند و از موتريهای باربری پول می‌گرفتند، اما حالا همین مقدار پول را در بندر از موتوروان‌ها می‌گیرند.

بندر اسلام‌قلعه و تورغندی حدود دو هفته پیش به دست طالبان افتاد. این بندر که در مرز ایران و ترکمنستان قرار دارند، در تجارت میان افغانستان و این دو کشور از اهمیت بالایی برخوردارند.

معاون اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات هم‌چنان گفت که مشکل کمبود آرد در هرات رفع شده است. پیش‌تر اتحادیه نانوایان هرات از کمبود آرد و احتمال مسدود شدن برخی نانوایی‌ها هشدار داده بود. سعید

مدافع خود را متین کنیم و پس از آن که تجدید قوا شود، حالت تعرضی به خود می‌گیریم.» آقای شینواری افزود که در بندر استراتژیک، نقاط استراتژیک و شهرهای استراتژیک که تهدیدات بلند است، وضعیت به زودترین فرصت به حالت عادی برمی‌گردد.

طبق طرح مشترک وزارت صنعت و تجارت، وزارت مالیه، وزارت اقتصاد، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري، نماینده‌گان سکتور خصوصی و ارگ ریاست جمهوری قرار بود به‌زودی عملیات ویژه‌ای برای بازپس‌گیری این بندر آغاز شود، اما تا هنوز این طرح اجرایی نشده است.

این طرح حدود دو هفته پیش نهایی شده بود. در همین حال وزارت صنعت و تجارت می‌گوید که مطابق این طرح مواد اولیه را در بازار سکتور خصوصی فراهم می‌کند و جای نگرانی نیست. احمدفواد احمدی، سخنگوی وزارت صنعت و تجارت، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که سکتور خصوصی در حال حاضر مواد اولیه و مورد نیاز مردم را تامین می‌کند. وی در رابطه

به بلند رفتن نرخ‌ها در بازار گفت: «نرخ مواد نفتی در سراسر دنیا بلند رفته است و این مساله روی نرخ و نوا در افغانستان هم تاثیر گذاشته است. افزایش نرخ دالر و کاهش نرخ افغانی باعث شده است که ما با مشکل افزایش قیمت‌ها مواجه شویم. چالش‌های امنیتی در بندر نیز سبب بلند رفتن قیمت‌ها شده است.» وی تصریح کرد که مواد اولیه مورد نیاز از طریق دهلیزهای هوایی و سایر بندر نیز وارد کشور می‌شود.

آگاهان مسایل اقتصادی به این باورند که وارد کردن

آمارهای وزارت مالیه نشان می‌دهد که در جریان شش ماه اول سال روان مالی، ۴۱ میلیارد افغانی عواید جمع‌آوری شده است. سخنگوی وزارت مالیه می‌گوید که تا اول ماه سرطان حدود ۳۰۵ میلیارد افغانی از اسلام‌قلعه و ۲۰۴۸ میلیارد افغانی از بندر ابونصر فراهی عاید جمع‌آوری شده است. به گفته او، وزارت مالیه در نظر دارد تا در سال روان مالی حدود ۲۱۶۰۵ میلیارد افغانی عواید از حدود ۳۰ گمرک و بندر تجارتي جمع‌آوری کند.

عظیمیان می‌گوید که براساس تقاضای دولت افغانستان، ترکمنستان مدتی به واگون‌هایی که آرد، گندم و مواد غذایی بارگیری کرده بود، اجازه نداد تا وارد کشور شود. به گفته وی، این مشکل دو روز پیش حل شد و ترکمنستان اجازه خروج واگون‌های مواد غذایی را به افغانستان داد. معاون اتاق تجارت هرات خاطر نشان کرد که بیش از دو هزار تن گندم و آرد وارد هرات شده است. از جانب دیگر عبدالباقي بنا، معاون اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری قندهار، می‌گوید که با وجود تسلط طالبان، گمرک اسپین‌بولدک فعال است و کدام مشکل خاصی وجود ندارد. آقای بنا می‌افزاید: «اوضاع عمومی وخیم است، اوضاع حکومت خراب است و این روی تجارت تاثیر منفی گذاشته است.» گذرگاه اسپین‌بولدک در قندهار، ۱۲ روز پیش به دست گروه طالبان افتاد.

پیش از اسپین‌بولدک، بندر ابونصر فراهی نیز به دست گروه طالبان سقوط کرده بود. محمدرحیم تلاش، رییس شورای مردمی فراه، می‌گوید که در حال حاضر، تاجران کم‌تر از این بندر اموال‌شان را وارد می‌کنند. آقای تلاش افزود که پیش از این موترها ۱۰ الی ۱۵ روز در گذرگاه فراه توقف داده می‌شد، اما حالا بیش از یک ساعت منتظر نمی‌ماند. وی هم‌چنان گفت که طالبان نظر به اجناس مختلف از هر موتري ۲۰ تا ۵۰ هزار افغانی محصول می‌گیرند.

تنها در پانزده روز گذشته بیش از ۱۴ هزار خانواده آواره شده‌اند

طرف‌های درگیر جنگ خواستند که هرچه عاجل زمینه بازگشت آواره‌گان و فرصت برای برداشت محصولات زراعتی مردم را فراهم کنند تا زنده‌گی به حالت عادی برگردد. همین‌طور آنان از نهادهای خیریه دعوت کردند که به وضعیت ناگوار بی‌جا شده‌گان این ولسوالی رسیده‌گی کنند.

با این حال رضا باهر می‌گوید که وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان در سال جاری برای بیش از ۵۱ هزار خانواده کمک‌رسانی کرده است. به گفته او این کمک‌ها شامل بسته‌های مواد غذایی و غیرغذایی بوده است. طبق معلومات او، در جاهایی که امکان انتقال مواد غذایی به دلیل جنگ نبوده، پول نقد توزیع شده است. مقدار پول توزیع شده به آواره‌گان جنگ متفاوت بوده است. باهر تأکید می‌کند که کمک نقدی بین هفت تا ۲۲ هزار افغانی بوده است. گفتنی است که این کمک‌ها براساس نیازهای خانواده‌ها توزیع شده است. هم‌چنان معاون سخنگوی وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان تصریح می‌کند که در سال جاری، بی‌جا شده‌گان صرف نظر از نوع و وضعیت شغلی، به جاهایی که احساس امنیت می‌کرده، پناه برده‌اند. بربنیاد معلومات این وزارت، پیش از این آواره‌گان جنگ در شهرهای بزرگ مثل کابل، هرات و بلخ که فرصت شغلی بیش‌تر موجود است، مسکن‌گزین می‌شدند.

با افزایش جنگ، دولت امریکا نیز بسته کمکی ۱۰۰ میلیون دالری را برای آواره‌گان و متضرران جنگ اختصاص داده است. این کشور ۱۰۰ میلیون دالر از صندوق کمک امور اضطراری و مهاجرت امریکا را برای تأمین نیازهای جدی مهاجران غیرمنتظره، قربانیان درگیری و سایر افرادی که در نتیجه وضعیت کنونی افغانستان آسیب می‌بینند، کمک می‌کند.

با این حال طالبان در حال پیش‌روی هستند و محتمل است که ولسوالی‌های بیش‌تر را تصرف کنند. به این ترتیب اگر جنگ و حملات طالبان ادامه یابد، ممکن است خانواده‌های بیش‌تری آواره شوند. بربنیاد اطلاعاتی که از سوی وزارت دفاع امریکا به نشر رسیده، در حال حاضر طالبان از مجموع ۴۱۹ ولسوالی، ۲۱۳ ولسوالی آن را در اختیار دارند.

معاون سخنگوی وزارت امور مهاجرین و عودت‌کننده‌گان می‌گوید که بیش‌تر این بی‌جا شده‌گان از ولایت‌های کندز، جوزجان، ننگرهار، لغمان، پکتیکا، فراه، هلمند و غزنی بوده‌اند. در این مناطق شدت جنگ بیش‌تر بوده و اکثر ولسوالی‌ها به تصرف طالبان درآمده است. باهر می‌افزاید که با تسلط طالبان بر این مناطق، مردم خانه‌های‌شان را ترک کرده و در مناطق زیر کنترل دولت پناه گرفته‌اند. به گفته او تنها در جریان یک ماه گذشته، سه هزار و ۵۱۱ خانواده در کندز، دو هزار و ۳۵۳ خانواده در ارزگان، دو هزار و ۸۲۲ خانواده در ننگرهار، یک هزار و ۶۷۰ خانواده در لغمان، یک هزار و ۹۴۵ خانواده در هلمند و ۷۶۵ خانواده در غزنی بی‌جا شده‌اند.

بی‌جا شده‌اند. مردم غزنی اما آمار درشت‌تری از بی‌جا شده‌گان را در اختیار رسانه‌ها قرار داده‌اند. براساس معلومات، تنها در جریان دو هفته گذشته، سه هزار خانواده از ولسوالی مالستان آواره شده و به شهرهای غزنی و کابل نقل مکان کرده‌اند. باشندگان مالستان دو روز پیش طی یک نشست خبری در کابل گفتند که طالبان به محض ورود به این ولسوالی، مردم را مورد اذیت و آزار قرار داده و شماری را به رگ‌بار بسته‌اند. باشندگان این ولسوالی تصریح کردند که با این رویکرد طالبان، مردم دست به کوچ اجباری زده و حدود سه هزار خانواده مناطق‌شان را ترک کرده‌اند. باشندگان مالستان از



در نقاط مختلف کشور، مردم دست به کوچ زدند و خانه‌های‌شان را ترک کردند. وزارت امور مهاجرین و عودت‌کننده‌گان می‌گوید که از اول ماه حمل تا اکنون بیش از ۷۲ هزار خانواده مناطق اصلی‌شان را ترک کرده و در جاهای نسبتاً امن مسکن گزیده‌اند. رضا باهر، معاون سخنگوی این وزارت، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که شمار بی‌جا شده‌گان در جریان دو ماه اخیر افزایش یافته است. او تصریح می‌کند که تنها در یک ماه اخیر، ۱۹ هزار خانواده آواره شده‌اند که از این ماه ۱۴ هزار آن در ۱۵ روز گذشته خانه‌های‌شان را ترک کرده‌اند.

معاون سخنگوی وزارت امور مهاجرین و عودت‌کننده‌گان می‌گوید که بیش‌تر این بی‌جا شده‌گان از ولایت‌های کندز، جوزجان، ننگرهار، لغمان، پکتیکا، فراه، هلمند و غزنی بوده‌اند. در این مناطق شدت جنگ بیش‌تر بوده و اکثر ولسوالی‌ها به تصرف طالبان درآمده است. باهر می‌افزاید که با تسلط طالبان بر این مناطق، مردم خانه‌های‌شان را ترک کرده و در مناطق زیر کنترل دولت پناه گرفته‌اند. به گفته او تنها در جریان یک ماه گذشته، سه هزار و ۵۱۱ خانواده در کندز، دو هزار و ۳۵۳ خانواده در ارزگان، دو هزار و ۸۲۲ خانواده در جوزجان، یک هزار و ۶۷۰ خانواده در ننگرهار، یک هزار و ۹۴۵ خانواده در لغمان، یک هزار و ۹۴۵ خانواده در پکتیکا، یک هزار و ۹۴۵ خانواده در فراه، ۹۴۵ خانواده در هلمند و ۷۶۵ خانواده در غزنی

گسترش دامنه جنگ در کشور، زنده‌گی را برای شهروندان دشوار کرده است. آمارهای وزارت امور مهاجرین و عودت‌کننده‌گان نشان می‌دهد که تنها در پانزده روز گذشته بیش از ۱۴ هزار خانواده



عبدالحمید حسینی

به دلیل جنگ، خانه‌های‌شان را ترک کرده و به مناطق امن مسکن گزیده‌اند. بربنیاد اطلاعات این وزارت، بیش‌تر بی‌جا شده‌گان از ولایت‌های کندز، بغلان، تخار، جوزجان، هلمند، لغمان، پکتیا و غزنی بوده‌اند. وزارت مهاجرین تصریح می‌کند که این وزارت بسته‌های کمکی مواد غذایی و غیرغذایی را در اختیار خانواده‌های بی‌جا شده قرار داده و به مشکلات‌شان رسیده‌گی کرده است. هم‌زمان با افزایش تشدید حملات طالبان و وخیم شدن اوضاع، دولت امریکا نیز یک بسته کمکی ۱۰۰ میلیون دالری را برای رسیده‌گی به وضعیت بی‌جا شده‌گان در نظر گرفته است. هرچند در سال‌های اخیر، شمار زیادی از خانواده‌ها به دلیل جنگ خانه‌های‌شان را ترک کرده‌اند، اما این معضل پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان افزایش یافته است. گروه طالبان با آغاز روند خروج نیروهای خارجی در ماه می سال جاری، حملاتش را افزایش داد و کنترل برخی از ولسوالی‌ها را در دست گرفت. با تسلط یافتن طالبان و شدت جنگ

جنایات دیوانه‌وار طالبان

جنایت‌ها، این گروه در ولایت بغلان دو زن جوان را که همسران نیروهای امنیتی بوده با اجبار به نکاح اعضایش درآورده است.

کوچ اجباری مردم از محلات‌شان، آواره‌گی و دربه‌دوری ناشی از جنگ طالبان، چیزهایی است که نصیب مردم افغانستان شده است. در تمام ولسوالی‌هایی که طالبان مدعی هستند که به کنترل آنان در آمده است، بخش زیادی از مردم به دلیل ترس و وحشت ایجادشده، ترک محل کرده‌اند؛ از این‌که مبادا طالب آنان را بکشند، یا مورد تحقیق و توهین قرار دهد. آواره‌گان اکنون در زیر خیمه‌ها و بدون داشتن مایحتاج اولیه زنده‌گی، روز و شب می‌گذرانند. دختران و زنان جوان و مردم آواره، بی‌سرپناه هستند و احتمال هر فاجعه در موردشان قابل تصور است. حجم فاجعه و حوادثی که از جنگ طالبان بر مردم بی‌گناه تحمیل شده، بزرگ‌تر و بیش‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود و به رسانه‌ها درز می‌کند.

آن‌چه این روزها در بخش‌های مختلف افغانستان رخ می‌دهد، تفاوتی با روزهای سیاه حاکمیت طالبان در دهه نود ندارد. امروز هم‌چنان در قلمرو امارت گذاشتن ریش و ادای نماز، اجباری است. کشتار امر معمول و جزء حوادث روزانه محلات است، قتل عام مردم ملکی در چندین محلی که به دست طالبان افتاده، رخ داده و هر نوع آزادی از مردم سلب شده است و ظلمی نیست که مردم تجربه نکرده باشند. سیل عظیمی از آواره‌گان و تعطیلی خدمات عامه، بی‌نظمی و عدم موجودیت یک حاکمیت پاسخ‌گو، چیزهایی است که مردم تجربه می‌کنند. برای همین، نهادهای حامی دموکراسی، آزادی بیان، حقوق بشر و جهان آزاد، باید در قبال وضعیت پیش‌آمده در افغانستان احساس مسوولیت کنند. این در حالی است که طالب هنوز حاکمیت را به دست نگرفته است و چنین بی‌اعتنا به کرامت شهروندان افغانستان ظلم و ستم روا می‌دارد. این گروه اگر حاکمیتش بر سراسر افغانستان قطعی شود، شدیدتر و تندتر از گذشته با مردم برخورد خواهد کرد. تبلیغ فرضیه تغییر طالبان، ترغیب و فریب است.

ولسوالی مالستان به رگبار بسته و دکان‌های آنان را مسدود کرده و به آتش کشیده‌اند. آنان مردم محل را مورد آزار و اذیت قرار داده و حتا کودکان را با سیلی زده‌اند. دلیل کشتار مردم ملکی در مالستان عدم همکاری با طالبان بوده است.

هم‌چنان در اسپین‌بولدک قندهار، طالبان بیش از ۱۰۰ خانواده را شب‌هنگام از خانه‌های‌شان بیرون کرده و کشته‌اند. دیده‌بان حقوق بشر رویدادهای غزنی و قندهار را تأیید کرده است. گروه طالبان در این ولسوالی‌ها غیرنظامیان، نیروهای امنیتی تسلیم‌شده و کارمندان دولت را از خانه‌های‌شان بیرون و سپس تیرباران کرده است. در ادامه این

برقراری همان فاشیسم مذهبی و قبیله‌ای و روایت به خصوص خودشان از اسلام هستند. آنان در دوران حاکمیت‌شان مجسمه‌های بودای بامیان را منفجر کردند و اکنون در ولسوالی کشم ولایت بدخشان یک میدان (چوک) را به دلیل داشتن تندیس‌های چند اسب تخریب و نابود کرده‌اند. طالبان فجایع فراموش‌نشده‌ی یکاوانگ، مزار شریف و شمالی را پیش از برقراری حاکمیت‌شان، در مالستان غزنی و اسپین‌بولدک قندهار، دوباره تکرار کرده‌اند.

گروه طالبان در مالستان غزنی همان رفتاری را داشته که در دهه نود در یکاوانگ و مزار شریف داشته است. جنگ‌جویان این گروه مردم ملکی را در

از زمان شروع مذاکرات ایالات متحده امریکا با طالبان تاکنون، بعضی از شبکه‌های داخلی و منطقه‌ای در پی نشان دادن چهره دیگر از این گروه هستند. آنان می‌خواهند بر مردم افغانستان بقبولانند

که طالب تغییر کرده و دیگر آن طالب دهه نود میلادی نیست. این شبکه‌ها می‌خواهند توجیه کنند که طالبان با حقوق بشر، آزادی بیان، دموکراسی، برابری، آزادی زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و دیگر نمادها و ارزش‌های بشری مشکلی ندارند. این قباحت‌زایی از طالبان خلاف آن چیزی است که در این شب‌وروزها از سوی این گروه سر می‌زند. طالبان در این شب‌وروزها در حال بازتولید فجایع دهه نود هستند و حداقل در اسپین‌بولدک قندهار و مالستان غزنی این فجایع را تکرار کرده‌اند.

عمل‌کرد طالبان در بیست سال اخیر و در این شب‌وروزها به همان شیوه روزهای نخستین ظهور و دوره حاکمیت‌شان بوده است. به این معنا که در اغلب بخش‌هایی که این گروه پیروز شده، آزادی زنان را سلب کرده، آوازخوانی را منع قرار داده و زنان را بدون محرم اجازه سفر نداده است. طالبان مخالفان خود را قصابی کرده و با غیرانسانی‌ترین شیوه از آنان انتقام گرفته‌اند. این گروه در سطح کلان با انتخابات و انتقال قدرت از طریق رأی مردم مخالف است. رفتار روزهای اخیر طالبان نشان می‌دهد که آنان در پی



حبیب حمیدزاده



گروه طالبان در مالستان غزنی همان رفتاری را داشته که در دهه نود در یکاوانگ و مزار شریف داشته است. جنگ‌جویان این گروه مردم ملکی را در ولسوالی مالستان به رگبار بسته و دکان‌های آنان را مسدود کرده و به آتش کشیده‌اند. آنان مردم محل را مورد آزار و اذیت قرار داده و حتا کودکان را با سیلی زده‌اند. دلیل کشتار مردم ملکی در مالستان عدم همکاری با طالبان بوده است.

استعاره زنده‌گی ما، استعاره زنده‌گی طالب

ذکیه شهاب

زنده‌گی هر فرد یک روبنا دارد و یک زیربنا. ما روبنای زنده‌گی هم‌دیگر را می‌توانیم ببینیم. می‌پرسید چگونه؟ با رفتارهایی که بروز می‌دهیم، به خصوص رفتار زبانی؛ زیرا زبان آینه وجود است. اما زیربنا، پایه‌های مستحکم شناخت هر یک ما را از کائنات تشکیل داده و راه شناخت آن هم روبنا است.

در این‌جا می‌خواهم با یک بررسی کوتاه از منظر زبان‌شناسی شناختی و تأکید بر استعاره‌های شناختی، نشان دهم که چرا گفت‌وگو با طالب نتیجه نمی‌دهد؟ هر نشستی که برگزار می‌شود، مردم در انتظار صلح و آزادی، به اصطلاح عامیانه «تمک آب» می‌خورند؛ اما این «تمک آب» خوردن تا کی ادامه خواهد یافت؟ قسمی که اول اشاره کردم، زیربنا شکل‌دهنده روبنا است و تصاویر ذهنی و استعاره‌ها سازنده زیربنا. شناخت همه برپایه تصاویر و ایماژها (استعاره) که در ذهن می‌سازیم، شکل گرفته است و این تصاویر همانند خط راهنما ما را می‌کشاند و جهت زنده‌گی ما را تعیین می‌کنند که به کدام‌سو برود.

من و ما، یک تصویر از جهان و زنده‌گی داریم و طالب تصویری دیگر. در تصویر زنده‌گی طالبان، عشق جا ندارد؛ زیرا جایی که عشق است، آن‌جا آبادی است. وقتی به وطن عشقی در دل داشته باشیم، آن‌جا را با شوق تمام آباد می‌کنیم. دل‌های افرادی که طالب خطاب می‌شوند و این‌گونه کشتار و قتل راه انداخته‌اند، مسلماً از عشق خبر ندارند. وقتی دل‌های‌شان ویران هستند، عجب نیست که انتظار آبادی را از آن‌ها داشته باشیم؟ عقل سلیم حکم می‌کند که کلوخ‌های شوره خورده و خام هرگز خانه آباد نمی‌کند؛ وقتی که افرادی خود در اوج ویرانی باشند، چگونه می‌توانند، پیام‌آور آبادی و آبادانی نیز باشند؟ چنین انتظاری محال است.

نشست‌هایی که زیر نام صلح برگزار می‌شود، چرا به نتیجه نمی‌رسد؟

طوری که در آغاز گفتم، دلیل این امر برمی‌گردد به تفاوت در شناخت و تصاویر ذهنی ما با آن افراد که نمی‌گذارند به نتیجه مناسب دست یابیم. وقتی نگاه متفاوت باشد، مقوله‌بندی‌های ما نیاز تفاوت دارد و

ایماژها و استعاره‌هایی که از زنده‌گی داریم، متفاوت است. اگر صدها نشست هم‌چون این نشست‌ها برگزار شود، به انجام نمی‌رسد؛ چرا که تا زیربنا تشکیل نشود و زیربنا پخته نیاید، روبنا لرزان خواهد بود و هر لحظه احتمال سقوطش می‌رود.

مثال می‌زنم:

کلان استعاره‌ای که این افراد برای خود ساخته‌اند و زنده‌گی خود را براساس آن پیش می‌برند، این است: «زنده‌گی بند است». از دل این کلان استعاره، استعاره‌های کوچک سر برآورده، مثلاً: «زنده‌گی زندان است». خوب شما می‌دانید که زندان حاکم دارد، محکوم دارد، قوانین دارد، جزا دارد و... خلاصه زنده‌گی یک بند است و ما محکوم به آمدن به این دنیا که اگر کوچک‌ترین تخطی کنیم، جزای سنگینی در انتظار ما است.

یا استعاره دیگری که این گروه دارد، این است: «دین سختی است». طالبان فکر می‌کنند تا فرد زجر و سختی نبیند و رسوم شریعت را سرسختانه به جا نیاورد، به رستگاری نمی‌رسد. خیر اگر کمی اخلاص در آن حل نبود و عشق واقعی را نسبت به خدا نداشت و تنها برای داخل شدن به بهشت و به دست آوردن حوران بهشتی بود و دیگر این‌که ما خدایی داریم ستم‌گر که به مراسم نمایشی ما نگاه می‌کند، نه به قلب‌ها و با کوچک‌ترین اشتباه وارد دوزخ می‌سازد. این چیزها اسباب خنده همان ساکنان بهشت است؛ اما می‌بینید که در این جهان، افرادی آن را بر سر ما تطبیق می‌کنند.

اما کلان استعاره ما (ما یعنی همین مردم ساده کشور) از زنده‌گی این است: «زنده‌گی آزادی است». براساس این کلان استعاره، زنده‌گی خود را سروسامان داده‌ایم و استعاره‌های کوچک را تنظیم کرده‌ایم. به طور مثال، یکی از استعاره‌های کوچکی که پیرامون



من و ما، یک تصویر از جهان و

زنده‌گی داریم و طالب تصویری

دیگر. در تصویر زنده‌گی طالبان،

عشق جا ندارد؛ زیرا جایی که عشق

است، آن‌جا آبادی است. وقتی به

وطن عشقی در دل داشته باشیم،

آن‌جا را با شوق تمام آباد می‌کنیم.

دل‌های افرادی که طالب خطاب

می‌شوند و این‌گونه کشتار و قتل

راه انداخته‌اند، مسلماً از عشق خبر

ندارند. وقتی دل‌های‌شان ویران

هستند، عجب نیست که انتظار

آبادی را از آن‌ها داشته باشیم؟

عقل سلیم حکم می‌کند که کلوخ‌های

شوره خورده و خام هرگز خانه آباد

نمی‌کند؛ وقتی که افرادی خود در

اوج ویرانی باشند، چگونه می‌توانند،

پیام‌آور آبادی و آبادانی نیز باشند؟

چنین انتظاری محال است.

این کلان استعاره انسجام پیدا کرده، این است: «زنده‌گی عشق است» و یا «زنده‌گی امید است». روشن است که جایی که عشق باشد، آن‌جا امید است و از امید است که تلاش سر برمی‌آورد و فرد با جان و دل در فکر آبادی کشور خود است؛ چون در سخت‌ترین موقعیت با عشق به ما بلند می‌شود و با انرژی تمام ادامه می‌دهد.

با همین مثال ساده، آشکار می‌شود که فرق است بین قوانین «آزادی» و «زندان»؛ دو طرز فکری که این‌قدر تفاوت داشته باشد و آب‌شان در یک جوی نرود، چگونه می‌تواند بذر صلح را آبیاری کند و چگونه ما شاهد جوانه‌های همدلی و آبادی باشیم؟ من که واقعا نمی‌دانم.

ناسنجیده و غیر عملی؛

انتقاد هراتیان از طرح قیود شب‌گردی



هم‌زمان با آغاز محدودیت قیود شب‌گردی در شهر هرات، هراتیان این طرح را «ناسنجیده و اشتباه» دانسته و پافشاری دارند که اجرای آن در شهرهای بزرگ مانند هرات غیرممکن است. اعضای شورای ولایتی هرات نیز باور دارند که وضع قیود شب‌گردی تأثیرات منفی بر روحیه مردم دارد و سبب بی‌اعتمادی آنان به توانایی نیروهای امنیتی می‌شود.

فرماندهی پولیس هرات می‌گوید که براساس دستور شورای نظامی این ولایت، طرح قیود شب‌گردی از یک‌شنبه‌شب عملی شده است. اداره محلی هرات هم تأکید می‌ورزد که در حال حاضر «مرحله تطبیقی» طرح ابلاغ شده و نیروهای امنیتی ملزم هستند آن را عملی سازند.

وزارت امور داخله به‌تازگی از اجرای محدودیت قیود شب‌گردی در ۳۱ ولایت کشور از جمله هرات خبر داد. بر این اساس تردد مردم از ساعت ۱۰:۰۰ شب تا ۴:۰۰ بامداد ممنوع شده است. حکومت افغانستان دلیل اجرای این طرح را جلوگیری از نفوذ طالبان به شهرها عنوان کرده است.

این وزارت از روز یک‌شنبه هفته روان، محدودیت گشت‌وگذار شبانه افراد را در تمامی ولایات‌ها به استثنای کابل، پنجشیر و ننگرهار آغاز کرد. بر این اساس در ۳۱ ولایت کشور از جمله شهرهای بزرگ مانند هرات، قندهار و مزار شریف، قیود شب‌گردی وضع شده است.

احمدضیا ضیا، معاون سخنگوی وزارت امور داخله، روز شنبه، دوم اسد، به روزنامه ۸ صبح گفت که این قیود به هدف تأمین امنیت شهروندان، جلوگیری از تلفات غیرنظامیان و خنثاسازی فعالیت شبانه گروه طالبان روی دست گرفته شده است. او علاوه کرد که قیود شب‌گردی به‌صورت موقت به اجرا گذاشته شده است. وزارت امور داخله از شهروندان کشور خواسته است تا در اجرای قیود گشت‌وگذار شبانه با پولیس همکاری کنند. پولیس به مردم هشدار داده است که با متخلفان قیود شب‌گردی به‌صورت جدی مقابله می‌کند.

در همین حال ساکنان هرات با انتقاد تند از اجرای طرح قیود شب‌گردی، آن را ناسنجیده و غیرعملی عنوان می‌کنند. در پی اعلام طرح قیود شب‌گردی از سوی حکومت، این طرح با انتقادهای زیادی از سوی هراتیان روبه‌رو شده است.

برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی با انتقاد از تصمیم حکومت در اجرای قیود شب‌گردی، با نشر مطلب‌های

طنزی و کنایه‌آمیز نسبت به این طرح امنیتی حکومت واکنش نشان دادند. امید، از ساکنان هرات، باور دارد که اجرای قیود شب‌گردی مشکلات زیادی برای مردم ایجاد می‌کند.

به باور اعضای شورای ولایتی هرات، حکومت هر تصمیمی که می‌گیرد، باید جنبه‌های مثبت و منفی آن را مد نظر بگیرد و مقام‌های حکومت مرکزی فیصله‌هایی که در مرکز کشور می‌کنند، جوانب آن را در نظر نمی‌گیرند و برای مردم مشکلات زیادی ایجاد می‌شود.

وکیل احمد کرخی، عضو شورای ولایتی هرات، به این باور است که طرح قیود شب‌گردی نهایتاً ضعف و ناتوانی مقام‌های ارشد امنیتی را نشان می‌دهد و نیروهای امنیتی مسیرهایی که احساس می‌کنند «دشمن» از طریق آن وارد هرات می‌شود را باید تأمین امنیت کنند. وی افزود که این مسأله سر روحیه مردم تأثیرات بسیار بدی می‌گذارد و مردم به توان نیروهای امنیتی بی‌باور می‌شوند و احساس می‌کنند که این نیروها توانی ندارند تا از شهرها محافظت کنند و به همین دلیل قیود شب‌گردی را اجرائی می‌کنند.

این عضو شورای ولایتی هرات گفت: «متأسفانه این طرح عملی نمی‌شود و ما از طریق صفحه‌های مجازی

دیدیم که مردم کنایه‌آمیز گفتند ما می‌رویم داخل شهر تا ببینیم قیود شب‌گردی عملی شده یا نه. به هیچ عنوان هرات را که ما می‌بینیم، این گپ (قیود شب‌گردی) امکان‌پذیر نیست.»

در همین حال، اداره محلی هرات پافشاری دارد که دستور اجرای طرح قیود شب‌گردی از حکومت مرکزی به هرات رسیده و آنان براساس تصمیم حکومت مکلفاند این طرح را در هرات عملی کنند و از یک‌شنبه‌شب هفته روان اجرای محدودیت‌های قیود شب‌گردی آغاز شده است.

جیلانی فرهاد، سخنگوی والی هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که اجرای قیود شب‌گردی مطابق هدایت سرفرومانان اعلاای قوای مسلح به منظور تأمین امنیت شهروندان صورت می‌گیرد و هدف آن تأمین امنیت، جلوگیری از سوءاستفاده و نفوذ دشمن است.

سخنگوی والی هرات در پاسخ به انتقادهای مطرح شده از سوی مردم در پیوند به طرح قیود شب‌گردی گفت: «هدایت از طریق ادارات مرکزی مواصلت کرده و در شورای نظامی هرات چگونگی تطبیق هدایت بحث شده و ما خود را ملزم به عملی ساختن این برنامه می‌دانیم.»

از جانب دیگر، فرماندهی پولیس هرات نیز پافشاری دارد که تصمیم اجرای قیود شب‌گردی از مرکز کشور گرفته شده و شورای نظامی هرات این طرح را به نیروهای امنیتی ابلاغ کرده و آن را از ساعت ۱۰ یک‌شنبه‌شب هفته روان در شهر هرات به اجرا گذاشته است.

عبدالاحد ولی‌زاده، سخنگوی فرماندهی پولیس هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که قیود شب‌گردی بنا بر ملاحظات امنیتی این ولایت و جلوگیری از وقوع رویدادهای احتمالی، می‌تواند تأثیرات خاص خود را در تأمین بهتر امنیت داشته باشد. او می‌افزاید که براساس فیصله شورای نظامی ولایت هرات، تا یک ماه آینده این روند ادامه دارد و پولیس می‌کوشد با طرح‌ها و برنامه‌هایش وضعیت امنیتی را نسبت به گذشته بهتر سازد تا رضایت مردم کسب شود.

پیش از این در هنگام اجرای محدودیت‌های تردد و «قرنطین» شهرها برای مهار ویروس کرونا، با وجود مسدود شدن خیابان‌های شهر هرات، تجربه نشان داد که مردم این محدودیت را رعایت نکردند و اجرائی نتیجه مثبتی در پی نداشت. حالا هم به نظر می‌رسد با مخالفت و انتقاد مردم، اجرای طرح قیود شب‌گردی موفقیت چندانی به دنبال نداشته باشد.

آواره‌گان اندخوی:

گر سینه‌گی و بی‌سرپناهی ما را تلف خواهد کرد

که قرار بود با صد افغانی فی نفر را به جوزجان ببرند، از مجبوری مردم سوءاستفاده کرده از هر نفر ۲۵۰ افغانی می‌گرفتند.»

اعضای خانواده حیدر از روی ناچاری خود را با دو هزار افغانی به جوزجان می‌رسانند. صدها خانواده دیگر نیز خانه‌هایشان را ترک می‌کنند. بیش‌ترین خانواده‌ها که تا هنوز سرگردان هستند، هیچ چیزی در دسترس ندارند. به گفته حیدر، هیچ کمکی از طرف دولت به این خانواده‌های بی‌جا شده صورت نگرفته است.

حیدر می‌گوید: «خانواده‌هایی که از جنگ جان سالم به در برده‌اند، اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، آن‌ها از اثر گر سینه‌گی و بی‌سرپناهی تلف خواهند شد.»

بعد از سپری شدن دو هفته بی‌سرپناهی و روزگار آکنده از اندوه، خانواده حیدر اکنون نیز در خیابان‌های گرم و سوزان جوزجان تهدید به مرگ می‌شود. اعضای این خانواده که توان مقابله با این وضعیت را ندارند، پس از دو هفته، دوباره رهسپار اندخوی، سرزمین دردکشیده‌شان می‌شوند.

حیدر می‌گوید: «ساعت ۶:۰۰ عصر خسته و گرسنه وارد روستای مان شدیم. به محض وارد شدن به اندخوی، این روستای عاشق را چنان آواره دیدیم که بوی خون و باروت فضا را پر کرده بود.»

آن‌جا بود که مصیبت جنگ در پوست و استخوان آن‌ها رخنه می‌کند. هر قدر به منطقه‌شان نزدیک‌تر می‌شوند، دلهره‌گی‌شان شدت می‌گیرد. وقتی به حویلی‌شان می‌رسند، درب حویلی را باز می‌بینند. به محض ورود به خانه، متوجه می‌شوند که مال و اموال‌شان به تاراج برده شده است. مادر حیدر که یک عمر با همه داشته‌ها و نداشته‌هایش خاطره‌های به یاد ماندنی دارد، بیش از هر زمانی اشک می‌ریزد و بی‌تابی می‌کند.

حیدر می‌گوید: «تا جایی که اطلاع پیدا کردیم، اموال خانواده‌هایی که مجبور به فرار شده بودند، همه و همه به دست مردم به تاراج برده شده است.»

بیش‌تر ساحات ولسوالی اندخوی اکنون نیز تحت کنترل گروه طالبان است. جنگ‌های پراکنده هنوز در این ولسوالی جریان دارد.

خویشاوندانش که دورتر از این روستا است، ترک کند. در طول راه صدای نیهیب جنگ و شدت باد، ذرات خاک و خاشاک را به هوا پراکنده می‌کند، در حالی که غم بزرگی قلب‌های کوچک این خانواده را در هم می‌فشارد. آن‌ها با دلهره‌گی محض، در نزدیکی‌های غروب روز پنج‌شنبه، دهم سرطان، خودشان را به روستای دورافتاده‌ای می‌رسانند.

تمام اعضای خانواده حیدر از اثر خسته‌گی و گرسنه‌گی دیگر توانی برای پیاده رفتن ندارند. حیدر مجبور می‌شود دوباره با موتورسایکلش دنبال غذا و مادر کلانش راه بیفتد. مادر کلان وی، به دلیل مشکلی که دارد، پیاده راه رفته نمی‌تواند.

در حالی که سایه‌های مرگ حیدر را دنبال می‌کند، او به دل آتش و دود می‌زند و با دشواری خود را به بازار چمن می‌رساند. وقتی به سوی تانویی می‌شتابد، یک تانگ نیز هم‌زمان با فیرهای پی‌درپی وارد بازار می‌شود. مردم به شمول دکان‌دارانی که مال و اموال‌شان را رها کرده‌اند، سراسیمه به شش جهت پا به فرار می‌گذارند. بار اول است که حیدر نبرد با طالبان روبه‌رو می‌شود. از ترس به خود می‌پیچد و با وحشت و تلاش بالاخره مادر کلانش را به مقصد می‌رساند. مدتی نمی‌گذرد که جنگ و وحشت این منطقه را نیز فرا می‌گیرد و راکت‌های پی‌درپی این روستای دورافتاده ولسوالی اندخوی را به خاک و خون می‌کشاند.

پس از دو شب جنگ بدون وقفه، خانواده حیدر که می‌داند فضای تنفس برایش باقی نمانده است، به ولایت جوزجان پناه می‌برد.

حیدر می‌گوید: «از یک طرف جنگ جریان داشت و از طرف دیگر موتوروان‌ها فرصت‌طلبی می‌کردند. در وضعی که هر کسی دنبال زنده ماندن خود می‌گشت، موتورهای



حیدر نبرد و برادر بزرگش پناه‌گاه امنی برای خانواده پیدا نمی‌توانند. دوشنبه‌شب، چهاردهم سرطان، در دل تاریکی شب، صدای زдохورد وحشتناکی فضای شهر را مسموم می‌کند؛ صداهای نیهیبی که قلب و روح این خانواده را به لرزه می‌اندازد. تمام اعضای خانواده شب را با پریشانی تمام، بیدار می‌مانند.

همین که سپیده‌دم بر سیاهی شب چیره می‌شود، خانواده حیدر اطلاع حاصل می‌کند که قسمت‌هایی از شهر اندخوی به دست طالبان افتاده است. ساعت ۸:۰۰ بامداد چهارشنبه، نهم سرطان، در حالی که هر یک از اعضای این خانواده بر بی‌پناهی خود اشک می‌ریزد، پرتاب خم‌پاره‌ای در همسایه‌گی‌شان، بنیاد این خانه را به اهتزاز می‌آورد. از صدای نیهیب این خم‌پاره، زهرا، خواهر کوچک حیدر، از هوش می‌رود و ترس همه اعضای خانه را فرا می‌گیرد.

نگرانی و ترس خانواده حیدر نبرد، بیش از دیگران است؛ چون خانه آنان در نزدیک یکی از فرقه‌های امنیتی موقعیت دارد. ترس و نگرانی سرانجام حیدر نبرد را مجبور می‌کند تا زادگاهش را به مقصد خانه یکی از

با بوی بهار و شروع سال تحصیلی، حیدر نبرد با شور و شوق خاصی برای ادامه تحصیلاتش از ولسوالی اندخوی به سوی ولایت بلخ کوله‌بار سفرش را می‌بندد. نبرد دانشجوی سال سوم دانشکده ادبیات فارسی در



شیم فروز

دانشگاه بلخ است.

حیدر نبرد دو ماه از سمستر ششم سال سوم تحصیلی‌اش را می‌گذراند که وزارت تحصیلات عالی به هدف جلوگیری از شیوع بیشتر موج سوم کرونا، دانشگاه‌ها را تعطیل می‌کند. پس از این تصمیم، نبرد به روستایش برمی‌گردد. باشنده‌گان ولسوالی اندخوی در تاکستان‌ها و مزارع‌شان مشغول کار و زنده‌گی‌اند، اما آوازه سقوط ولسوالی‌ها و آمدن طالبان آنان را نگران می‌کند. حمله گسترده و کم‌پیشینه طالبان بر اندخوی، باشنده‌گان این ولسوالی را وحشت‌زده می‌کند. شماری از باشنده‌گان اندخوی به دلیل شدت جنگ، خانه‌هایشان را ترک می‌کنند و آواره می‌شوند.

نقش جامعه دیاسپورا در حفظ و پرورش دستاوردهای زنان افغانستان



نازیلا جمشیدی، دانشجوی حقوق بشر در دانشگاه کلمبیا و کنشگر حقوق زنان

جوامع دیاسپورا بنا بر روابط مالی، عاطفی و خانواده‌گی که با سرزمین اجدادی‌شان دارند، در استحکام و بهترسازی روابط کشور میزبان و سرزمین پدری، تأثیر بسزایی دارند، به خصوص آن‌عده که از درک و دانش مستقیم از مسائل و شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر دو کشور برخوردار هستند. در طول تاریخ، با مهاجرت گروه‌های مختلف به ایالات متحده آمریکا، جوامع دیاسپورا نقش مهمی در توسعه اقتصادی و سیاسی کشورهای اجدادی‌شان داشته‌اند. به عنوان مثال، میزان انتقال پول توسط اعضای جامعه دیاسپورا از ایالات متحده به زادگاه‌شان، سالانه از ۵۰۰ میلیارد دالر امریکایی فراتر می‌رود. در بسیاری از کشورها حواله‌هایی که از سوی اعضای جامعه دیاسپورا به زادگاه‌شان فرستاده می‌شود، بخش قابل توجهی از ذخایر ارزی، مصرفی و معیشتی را تشکیل می‌دهد.

افغانستان از جمله کشورهای در حال توسعه است که اجتماع بزرگ و متنوع دیاسپورا در ممالک غربی، به ویژه آمریکا دارد. اعضای جامعه دیاسپورا افغانستان تا اندازه‌ای توانسته‌اند، نقش ارزنده‌ای در رسیده‌گی به چالش‌های دیپلماتیک، توسعه‌ای و عرضه خدمات بشردوستانه در زادگاه‌شان ایفا کنند. در طی بیست سال گذشته، هم دولت افغانستان و هم دولت آمریکا، از مهارت، دانش و آشنایی دیاسپورا افغانستان از فرهنگ و زبان محلی به عنوان ابزاری برای دستیابی به نتایج پایدار و تأثیرگذار بهره برده‌اند. برعلاوه، دستاوردهای دیاسپورا افغانستان، به خصوص کسانی که هدف‌شان از بازگشت از غرب به افغانستان فقط قدرت و نفوذ

سیاسی نبوده، در پیش‌رفت عرصه‌های مختلفی چون تعلیم و تربیه، فرهنگ، هنر و اقتصاد، بعد از سقوط امارت طالبان چشم‌گیر بوده است. به عنوان نمونه، آقای سعد محسنی، یک افغانستانی‌تبار استرالیایی-انگلیسی، در سال ۲۰۰۲ از استرالیا به کابل بازگشت و ابتکارات و خدمات ارزنده‌ای را در توسعه رسانه و آزادی بیان پایه‌گذاری کرد. سعد محسنی با بنیاد گذاشتن گروه موبی، تلویزیون طلوع، رادیو آرمان و دیگر فعالیت‌های رسانه‌ای، صدها فرصت کاری را برای مردم افغانستان در داخل فراهم کرد.

در حال حاضر با توجه به شرایط نگران‌کننده‌ای که در افغانستان حاکم است و خروج قوای خارجی و کاهش حضور سازمان‌های بین‌المللی در این کشور از یک‌سو و تشدید خشونت‌ها از جانب طالبان و تصرف مناطق بیشتر توسط آن‌ها از سوی دیگر، نقش و فعالیت گسترده و معنادار جامعه دیاسپورا ضروری است. افغان‌هایی که در سال‌های جنگ از افغانستان خارج شدند و در غرب اقامت گزیدند و جایگاه قابل توجهی در تجارت، موسسات علمی و آکادمیک، ادارات خصوصی و دولتی کسب کرده‌اند، می‌توانند در فراهم کردن بستری برای گفت‌وگو و یافتن راه‌حل پیرامون چالش‌های فعلی و فرا روی کشورشان موثر باشند.

یکی از مسائل مهمی که بیش‌تر از هر زمان دیگری فعالیت و تلاش مشترک جامعه دیاسپورا را می‌طلبد، آینده نامعلوم و نگران‌کننده زنان و دختران و مسائل حقوق بشر و حقوق زنان است. با گسترش قلمرو طالبان، اعمال محدودیت‌ها بر حقوق و نقش زنان از جانب طالبان، یک تهدید واقعی است.

چه می‌توان کرد؟

اول: از آن جایی که تمامی ممالک جهان از دیدگاه‌های طالبان در مورد حقوق زنان مطلع و از دستاوردهای آنان در بیست سال گذشته خشنود هستند، حس همدردی و حمایت کافی از زنان افغانستان در میان

فعالان و حامیان حقوق زن وجود دارد. لازم است که اعضای جامعه دیاسپورا افغانستان -چه در آمریکا و چه در دیگر ممالک- این نگرانی را نسبت به آینده زنان و دختران افغانستان در میان فعالان حقوق زن حفظ و تقویت کنند. مستحکم نگه داشتن روابط میان فعالان حقوق زن افغانستان و حامیان بین‌المللی حقوق زن، از جمله کارهای مهمی است که اعضای جامعه دیاسپورا افغانستان توانایی انجام آن را دارند. تا زمانی که مسائل حقوق بشری در افغانستان یک نگرانی عمومی و جهانی پنداشته شود، برای رفع آن نیز می‌توان امیدوار بود و گام برداشت. بنابراین، این مسوولیت جامعه دیاسپورا است که نگذارد این نگرانی کاهش یابد و تلاش شود تا فعالیت‌ها، پروژه‌ها و برنامه‌هایی که می‌توانند برای پیش‌رفت و حفظ حقوق و دستاوردهای زنان افغانستان موثر واقع شوند، هم‌چنان در راس فهرست اهداف سازمان‌ها و ادارات مربوطه باقی بمانند. به عبارت دیگر، افغان‌های مقیم غرب باید پل ارتباطی میان فعالان و سازمان‌های حمایت‌کننده زنان در غرب و افغانستان شوند و تلاش کنند تا دامنه این فعالیت‌ها و ارتباطات گسترده‌تر شود.

دوم: علاوه بر پررنگ کردن نگرانی عمومی از آینده و حقوق زنان در سطح جهان، جامعه دیاسپورا توانایی، فرصت و منابع لازم برای به دست آوردن حمایت رهبران جهان از زنان افغانستان و مسائل حقوق بشری را دارا است. اعضای جامعه دیاسپورا افغانستان می‌توانند فرصت‌های بیش‌تری برای ایجاد برنامه‌ها و شکل‌گیری گروه‌های دادخواهی و لابی‌گری به منظور تغییر در پالیسی‌های خارجی، سیاست‌ها و قانون‌گذاری‌های کشورهای میزبان‌شان در قبال افغانستان داشته باشند. یک نمونه موفق از این نوع فعالیت، در فبروری ۲۰۲۰ زمانی که آمریکا پیمان صلح را با طالبان بدون اشتراک زنان و دولت افغانستان به امضا رساند، شکل گرفت. گروه‌های زیادی از زنان دیاسپورا گردهم آمدند و به اعضای کانگرس، نماینده‌گان‌شان در مجلس و به بسیاری از رهبران دنیا نامه نوشتند و خواهان حمایت

آنان از اشتراک و سهم‌گیری زنان در پروسه صلح شدند. به همان ترتیب، هم زنان و هم مردان دیاسپورا مجالس و میزگردهایی را تشکیل دادند و بر اهمیت اشتراک معنادار زنان در پروسه صلح تأکید کردند و حمایت ملت‌های زیادی را برای حضور زنان در میز مذاکرات صلح به دست آوردند. با توجه به شرایط حساسی که زنان افغانستان در حال حاضر در آن قرار دارند، این لابی کردن‌ها و دادخواهی‌ها از سوی دیاسپورا بیش‌تر از هر زمان دیگری اهمیت دارد. لازم است تا حمایت و توجه ملت‌ها و رهبران جهان، جامعه بین‌المللی، سازمان‌های حامی حقوق زنان، قانون‌گذاران و پالیسی‌سازان را برای حفظ و تقویت حقوق و نقش زنان در افغانستان جلب کرد. خوش‌بختانه جامعه دیاسپورا افغانستان از منابع، توانایی، فرصت‌ها و آگاهی لازم برای رسیدن به این هدف برخوردار است.

سوم: جامعه دیاسپورا افغانستان باید به طور متمرکز و بنیادی به کنشگری در کشور میزبان بپردازد. به عبارت دیگر باید به دنبال طرحی باشد که از طریق آن مشارکت و همکاری دیاسپورا افغانستان در روند سیاست‌گذاری بین‌المللی با هدف بهبود وضعیت زنان و حقوق بشر ممکن شود. مثلاً، توانمندسازی فعالان/کنشگران جامعه دیاسپورا افغانستان و سازمان‌هایی با دانش و مهارت لازم به هدف دست یافتن به تغییرات سیاسی مورد نظر، یکی از راه‌های بنیادی است که اعضای این جامعه را مستلزم انجام آن برای ایجاد تغییرات بلندمدت در کشور زادگاه‌شان می‌کند.

هم‌چنان جامعه دیاسپورا باید به طور پیوسته به جمع‌آوری منابع مالی کافی جهت به انجام رساندن اهدافش بپردازد. اکثر جوامع دیاسپورا در غرب از روش‌های متعددی برای تهیه پشتیبانی مالی برای حمایت از کشورهای زادگاه‌شان استفاده می‌کنند. ایجاد انجمن‌ها، بنیادها و شبکه‌ها از آن جمله است. در زمان نیاز و برای حمایت از پالیسی‌های مشخص در افغانستان، اعضای جامعه دیاسپورا می‌توانند منابع مالی لازم را در اختیار مردم‌شان قرار دهند.

در پایان، جامعه دیاسپورا می‌تواند در حفظ و پیش‌رفت دستاوردهای زنان در افغانستان نقش اساسی داشته باشد. بدون شک فرصت‌های زیادی در اختیار اعضای جامعه دیاسپورا برای حمایت از زنان در کشور زادگاه‌شان قرار دارد. حالا زمان آن است که از تمامی منابع و فرصت‌ها استفاده شود.

سیاست خارجی و جامعه اطلاعاتی آمریکا در قرن ۲۱، تحولات و علل آن

سرمایه‌داری جهانی‌شده و یا جای‌گزین کردن اصول خود بر ویرانه‌های آن، برآمد. در عین حال، از ملت‌گرایی هم جدا نبود؛ چرا که همواره مذهب و ملیت شامل عناصر مشترک و هم‌پوشان بوده است. منازعات ارمنی‌ها، مردم مقدونیه، ایرلندی‌ها، کانادایی‌های فرانسوی، فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها، موید این نکته است. در عین حال، منازعات مذکور در نهایت در پی برپایی دولت - ملت مستقل بود؛ این الگو در پی تحقق قواعد شرعی برآمده است، حتا اگر قدرت دولتی را هم به دست نیاورد. از سوی دیگر، در شکل جهانی تروریسم نیز مواردی چون هواپیماربابی وجود داشت؛ اما هم‌چون اهرم فشار سیاسی یا وسیله جلب افکار عمومی، برای انتقال پیام‌ها یا اخبار خاص مورد استفاده قرار نمی‌گرفت؛ بلکه تروریست‌ها آن را وسیله نظامی به شمار می‌آوردند و همانند بمب به کار می‌بردند تا از پیامدهای روانی آن در سطح وسیع استفاده کنند. ضمن آن‌که، مشخصه یا تکنیک موج جدید، عملیات انتحاری بود که بدون کدام نوع توجیه مذهبی و قدسی امکان‌ناپذیر می‌نمود. (راپوپورت، ۲۰۰۲) از نمونه‌های این نوع هراس‌آفگنی که برپایه نوعی بنیادگرایی مذهبی توجیه می‌شود، می‌توان به انتشار گاز سمی در متروی توکیو توسط پیروان فرقه ائوم شینریکیو در ۲۰ مارچ ۱۹۹۵ اشاره کرد که دوازده کشته و پنج صد آسیب‌دیده برجای گذاشت. اعضای این گروه از برخی متعصبان بودایی، هندو و مسیحی تشکیل شده بودند. در ۱۹ اپریل ۱۹۹۵ نیز انفجار بمب در ساختمان فدرال آمریکا در جنوب شهر اوکلاهما، ۱۹۸ کشته و ۵۰۰ زخمی برجای گذاشت. ظاهراً این اقدام به انتقام خون خسرواکو و هشتاد تن از اعضای فرقه داوودی انجام شد که توسط FBI کشته شده بودند. (کاستلز، ۱۳۸۰، جلد دوم: ۱۳۰)

به لحاظ انگیزه نیز الگوی جهانی تروریسم در چارچوب مدل سازمانی و هویت‌پایه قابل تبیین است. در واقع، که عبارت است از: الگوی ابزاری و الگوی سازمانی. در مدل نخست یا ابزاری که بیش‌تر علمای علوم سیاسی به آن توجه دارند و از این دریچه به تروریسم می‌نگرند، تروریسم و تروریست‌ها نوعی ویژه‌گی عقلانی دارند؛ یعنی برای رسیدن به اهداف خاص یا تأمین منفعتی مهم، یک سری ابزارها و وسایل را برمی‌گزینند که یکی از آن‌ها ترور است. (پورسعید، ۱۳۹۶: ۱۵۲)

هواپیماربابی به شمار می‌رفت. به همین دلیل، بسیاری معتقدند که گروگان‌گیری مشخصه یا تکنیک بارز موج سوم بود. (پورسعید، ۱۳۹۶: ۱۴۷ - ۱۴۹)

۲- الگوی جهانی؛ ظهور القاعده

با ورود به قرن بیست‌ویکم که هم‌زمان بود با گسترش بی‌سابقه فناوری اطلاعات و استفاده از وسائل پیش‌رفته ارتباطات و آسانی مسافرت و جابه‌جایی افراد و مساعد بودن بستر تماس و همکاری گروه‌ها و افراد؛ تروریسم از جایگاه محلی و جغرافیای محدود، پا فراتر گذاشت و به یک نیروی جهانی تبدیل شد.

سعیدپور با استفاده از نظریات راپوپورت و کاستلز معتقد است: «موج جدید یا الگوی جهانی، در عین آن‌که مولفه‌های امواج پیشین را با خود داشت، با ویژه‌گی متمایزکننده افراط‌گرایی و فرقه‌گرایی مذهبی مشخص می‌شد. ایده‌هایی چون رویارویی تمدن‌ها و تروریسم مقدس، در همین راستا مطرح شد. این نمونه‌ای از تروریسم که در مطالعات غربی با سازمان القاعده و شخص بن‌لادن مشخص می‌شود، هم انارشیزم بود؛ زیرا پس از میان بردن قواعد حاکم بر جهان سرمایه‌داری یا

صرف نظر از ایدئولوژی آن- پیروی می‌کند. در طول این چهل سال، مناطقی چون کانادا، ایرلند، امریکای لاتین، شبه‌قاره هند و خاورمیانه، تحت آماج این موج قرار داشتند. با حمله ایالات متحده آمریکا به ویتنام پس از جنگ جهانی دوم و گسترش گرایش‌های ضد امریکایی در سطح جهانی که با ایدئولوژی‌های برآمده از اردوگاه شرق درآمیخته بود، موج سوم تروریسم یا چپ جدید سر بر آورد؛ موجی که در جنگ ویتنام سازمان‌دهی شد و با موفقیت و تأثیرگذاری سلاح‌های ابتدایی ویت‌کنگ‌ها در برابر تکنولوژی مدرن ارتش آمریکا، این امید را ایجاد کرد که نظام معاصر و مسلط سرمایه‌داری غرب، آسیب‌پذیر است. این موج تقریباً تا دهه ۱۹۹۰ به صورت لجام‌گسیخته ادامه یافت و هنوز هم در بعضی کشورها نظیر نیپال، اسپانیا، پیرو و کلمبیا، گروه‌هایی از آن فعال هستند. تکنیک غالب کنش تروریستی در موج اول، قتل یا ترور شخصی بود. موج دوم با حمله به اهداف نظامی مشخص می‌شد که جای خود را به گروگان‌گیری، هواپیماربابی و آدم‌ربایی در موج سوم داد. در سه دهه اول موج سوم، بیش از هفت صد هواپیماربابی اتفاق افتاد؛ ضمن آن‌که در غالب موارد گروگان‌گیری هدف اصلی

۱- الگوی بین‌المللی؛ تروریسم کلاسیک

الگوی بین‌المللی تروریسم یا تروریسم بین‌المللی، موجی از تروریسم در حوزه روابط بین‌الملل است که این محیط تا پیش از ظهور پدیده جهانی شدن و مناسبات آن در دهه



عزیزالله بصیر
بخش سوم

۱۹۹۰، شاهد آن نبوده است. این الگو موجب شد که اول، تروریسم از سطح ملی به سطح بین‌المللی ارتقا یابد و دوم، محدودیت‌های بین‌المللی در چارچوب مناسبات وستفالیایی، موجبات محدود شدن آن را فراهم کند. بین‌المللی شدن تروریسم به معنای آن بود که اول، مرتکب و قربانی تروریسم، شهروندان دولت‌های مختلف باشند، دوم، این رفتار، تمام یا جزو آن در بیش از یک کشور انجام شود و سوم اهداف در معرض ترور، تحت حمایت بین‌المللی باشند، مانند غیرنظامیان بی‌گناه، دیپلمات‌های دارای استوارنامه مورد قبول و کارمندان سازمان‌های بین‌المللی که در داخل حوزه خود عمل می‌کنند، هوانوردی غیرنظامی بین‌المللی و یا دیگر وسایل ارتباط بین‌المللی. (بدی، ۱۳۷۸: ۲۵۸ - ۲۵۹)

در چارچوب این پروسه، یعنی بین‌المللی شدن تروریسم، می‌توان به سه موج در تاریخ روابط بین‌الملل اشاره کرد که ترتیب تاریخی آن عبارت است از: امواج انارشیزستی، ضد استعماری و چپ جدید. (راپوپورت، ۲۰۰۲)

موج انارشیزستی، اولین موج در عصر تروریسم کلاسیک بود که در قرن نوزدهم با ظهور حزب اراده مردم در روسیه آغاز شد. در چارچوب این موج، شیوه ترور شخصی یا فردی سیاست‌مداران و مقامات حکومتی در دستور کار قرار می‌گرفت که مثال بارز آن، ترور پادشاه اتریش - مجارستان بود که به بروز جنگ جهانی اول انجامید. انارشیزست‌ها معتقد بودند که این شیوه موجب می‌شود که اول، توده‌ها به عمق انقیاد و برده‌گی خود پی‌ببرند و دوم آن‌ها را از آسیب‌پذیری مقامات حکومتی و حکومت نیز آگاه کند. این استراتژی با پایان جنگ نخست جهانی و برآمدن ایده حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به حاشیه رفت. بر این اساس، موج دوم در سال ۱۹۲۰ آغاز شد و تا چهل سال پس از آن ادامه یافت و در دهه ۱۹۶۰ رو به افول نهاد. محتوای این موج، جنبش استقلال‌خواهی و ضد امپریالیسم بود که بعدها به تروریسم ملت‌گرا و تروریسم قومی نیز شهرت یافت. تروریسم ملت‌گرا نوعی فعالیت تروریستی است که از منافع گروهی، قومی یا ملی

جدول ۱: امواج تروریسم در الگوی بین‌المللی ^۱			
شاخص‌ها	دوره زمانی (م)	تکنیک غالب	علل افول
امواج	ایدئولوژی		
موج انارشیزستی	انارشیزم ۱۸۸۰-۱۹۲۰	ترور شخصی - آدم‌کشی	وقوع جنگ اول جهانی و برآمدن ایده حق تعیین سرنوشت
موج ضد استعماری	ناسیونالیسم قومی ۱۹۲۰-۱۹۶۰	حمله به اهداف نظامی - بمب‌گذاری	هجوم ایالات متحده به ویتنام و گسترش گرایش‌های امریکاسیزی
موج ضد امپریالیستی	مارکسیسم - لنینیسم ۱۹۶۰-۱۹۹۷	هواپیماربابی	جنگ سرد و فروپاشی مارکسیسم
موج جنید	رادیکالیسم و فرقه‌گرایی مذهبی ۱۹۹۷-۲۰۲۵	حملات انتحاری - کشتن از نزدیک	؟

۱. فصل‌نامه مطالعات راهبردی، ۱۳۹۶: ۱۴۹.

تعیین کننده نظم بین المللی آینده

محمدیاسر کریمی

میرهن است که در جهان کنونی، تکنولوژی، ماشین پیشرفت در همه عرصه‌ها و داشتن آن عامل افزایش قدرت دولت‌ها در سطح بین‌المللی است. تاکنون ایالات متحده به عنوان ابرقدرت، در کنار داشتن سایر شاخص‌های قدرت، دارنده فناوری و تکنولوژی برتر نیز است. اما در سال‌های پسین، این بُعد قدرت برتر جهان با چالش قدرت روزافزون چین مواجه شده است.

دونالد ترامپ، رییس جمهور پیشین ایالات متحده، در ششم جولای ۲۰۱۸، به یکباره گوی تعریفه گمرکی روی کالاها مشخص وارداتی از چین به آمریکا را ۲۵ درصد افزایش داد که بالغ بر ۳۴ میلیارد دلار تخمین می‌شد. اتخاذ این سیاست، به عنوان آغاز جنگ تجاری نیز یاد می‌شود. در مورد این که چرا ایالات متحده چنین پالیسی‌ای را در پیش گرفت، بحث‌ها و دلایل زیادی ارایه شده است که از آن میان، دو دلیل عمده از عوامل اصلی و مهم پالیسی افزایش تعرفه گمرکی و وضع محدودیت روی کالاها چینی دانسته می‌شود:

۱- کسر تجاری ایالات متحده با چین به صورت سرسام‌آور به نفع چین رقم خورده است. براساس آمار و ارقام منتشرشده در سال ۲۰۲۰، این کسر به ۲۸۲٫۶ میلیارد دلار رسیده است. مجموع واردات ایالات متحده از چین در سال گذشته ۳۹۹٫۶ میلیارد دلار بود که از آن جمله ایالات متحده فقط ۱۱۰ میلیارد دلار به چین صادرات داشت.

۲- مقابله با برنامه‌های بلندپروازانه چین جهت کسب تکنولوژی برتر و بنیادی که اساس انقلاب چهارم صنعتی را تشکیل می‌دهد، از دلایل دیگر آغاز این جنگ تجاری گفته می‌شود. اکنون رقابت قدرت‌ها بیش‌تر بر محور کسب تکنولوژی 5G، تکنولوژی هوش مصنوعی AI و وسایل نیمه هادی الکترونیکی (Semiconductors) است.

رفته رفته، این رخ جنگ تجاری ایالات متحده بیش‌تر نمایان شد و با تمام قوت از دوره ترامپ به اداره جو بایدن انتقال یافت. سرعت توسعه تکنولوژی و پیامدهای آن برای قدرت‌ها، مهم و حیاتی است.

تکنولوژی انقلاب چهارم صنعتی نه تنها به لحاظ انتقال حجم بزرگ دیتا (DATA)، بلکه به دلیل داشتن قدرت تحول سریع پدیده‌ها نیز مهم است. این تکنولوژی به همان میزانی که باعث آسوده‌گی و پیشرفت می‌شود، نگرانی امنیت ملی کشورها را نیز در پی دارد. یک موردی که قدرت‌های رقیب بیش‌تر نگران آن هستند، این است که سیر سریع تکنولوژی با تشکیل نهادهای و مقررات کنترل‌کننده آن تفاوت زیاد دارد.

چنانچه از انقلاب اول صنعتی با ایجاد ماشین بخار توسط برادران جمیز وات در سال ۱۷۷۶ تا تولید

موتورهای تیزرفتار پترولی در سال ۱۸۸۶ که از آن به عنوان انقلاب دوم صنعتی یاد می‌شود، حدود صد سال را دربرگرفت و در حدود صد سال دیگر زمان برد تا مرکز تولید صنعت موتور از ایالات متحده به اروپا انتقال یافت. همین‌گونه تحت پوشش قرار گرفتن ۵۰ میلیون نفر توسط امواج رادیو حداقل ۳۸ سال را دربرگرفت؛ در حالی که سیر گسترش اینترنت میان ۵۰ میلیون تن تنها ۴ سال زمان برد و همه‌گیر شدن اپلیکیشن‌های رسانه‌های اجتماعی تعجب برانگیزتر بود. توییت تنها در ظرف ۹ ماه همه‌گیر شد. رقابت بر سر صنعت موتورسازی یک قرن را دربرگرفت؛ در حالی که رقابت بر سر تلفن‌های هوشمند فقط دو سال زمان برد. آیفون اپل در سال ۲۰۰۷ به بازار آمد و دو سال بعد (۲۰۰۹) سامسونگ گلکسی با آیفون در بازار رقابت کرد. لذا سرعت تکنولوژی مدرن به شدت رقابت دولت‌های قدرتمند و صنعتی برای کسب تکنولوژی برتر و محصولات آن جهت غلبه در مارکیت جهانی، افزود.

چین در سال ۲۰۱۵، برنامه ده ساله توسعه صنعت و تکنولوژی خود را تحت نام «ساخت چین تا سال ۲۰۲۵» (MIC-۲۰۲۵) تدوین کرد. براساس این برنامه، قرار است چین زیرساخت‌های تکنولوژیکی خود را انکشاف دهد و در ده عرصه مهم صنعتی از ناحیه تکنولوژی در آن بخش‌ها خودکفا شود. عمده‌ترین این بخش‌ها، تکنولوژی بخش برق، تکنولوژی معلوماتی، تکنولوژی فضای، انرژی قابل تجدید، وسایل روباتیک، تکنولوژی داروسازی و تکنولوژی ترانسپورتی و راه‌آهن سریع‌السیر است. هم‌چنان در سال ۲۰۱۸، حکومت چین اعلام کرد که به منظور تطبیق برنامه متذکره ۳۰۰ میلیارد دلار را هزینه خواهد کرد.

هدف برنامه «MIC-۲۰۲۵» این است که صنعت فابریکه‌جات کالاهای چینی با تکنولوژی ساده که در حال حاضر تولیدات چین عمدتاً روی آن استوار است -مانند تولید لباس، بوت و کالاهای مصرفی- به تولید صنعت با تکنولوژی پیش‌رفته که بتواند در مارکیت جهانی رقابت کند، تبدیل شود. چین درک می‌کند که مزیت نسبی‌اش در حال حاضر به خاطر داشتن نیروی کار ارزان است، به این خاطر اکثر بسته‌بندی‌های وسایل پیش‌رفته الکترونیکی و سایر کالاها بعد از تولید پرزده‌جات اصلی در آن کشور صورت می‌گیرد و این موضوع در درازمدت مزیت بوده نمی‌تواند و رشد اقتصادی پایدار آن کشور در گرو تجدید و خودکفایی تکنولوژی پیش‌رفته قرار دارد.

اکنون چین ۶۰ درصد واردکننده وسایل نیمه هادی الکترونیکی (Semiconductors) است؛ در حالی که تنها تولیدکننده ۱۳ درصد آن است. این در حالی است که ایالات متحده مالک اکثریت تکنولوژی پیش‌رفته در بخش‌های فضای، روباتیک، داروسازی، انرژی قابل

تجدید و صنعت فضایی است و در حدود ۷۷ درصد هزینه کل مطالعات و تحقیقات در زمینه خلاقیت و تولید تکنولوژی جدید را می‌پردازد.

در سال‌های اخیر ایالات متحده ادعا دارد که حکومت چین به صورت برنامه‌ریزی شده و بدون درنظرداشت مقررات مارکیت آزاد در پشت سر اکثر شرکت‌های چینی که قصد سرمایه‌گذاری در بخش‌های تکنولوژی در ایالات متحده را دارند و می‌خواهند تکنولوژی را به صورت غیرقانونی به چین انتقال دهند، قرار دارد. به باور آمریکا، این شرکت‌ها از حمایت مالی دولت چین نیز برخوردار هستند. از جانب دیگر، دولت چین مقرراتی را وضع کرده است که براساس آن هر شرکت خارجی‌ای که در چین سرمایه‌گذاری می‌کند، باید با یک شرکت چینی به صورت مشترک سرمایه‌گذاری کند و از این طریق نیز در تلاش است تا تکنولوژی را کسب کند و در خدمت اهداف برنامه‌های خود قرار دهد.

در سال ۲۰۲۰، چین از سرمایه‌گذاری ۱٫۴ تریلیون دلاری روی زیربنای تکنولوژیکی، به خصوص کسب برتری جهانی در بخش 5G و AI تا سال ۲۰۲۵ خبر داد. 5G و وسایل هادی الکترونیکی (Semiconductors) نقش کلیدی در انکشاف زیربنایی انقلاب چهارم صنعتی بازی می‌کند.

همین‌گونه، چین در بخش تکنولوژی فضای و ایجاد سیستم رهایی ستلائی (Satellite Navigation System) سرمایه‌گذاری هنگفتی را در پیش گرفته است که احتمال دارد از GPS ایالات متحده پیشی بگیرد. در عین حال، محاسبه کوانتومی (Quantum Computing) یکی از بخش‌های دیگر مورد رقابت دو

مورد استفاده عموم و در دسترس بازار قرار دهد. هم‌چنان حکومت ایالات متحده به دلیل این که بعضی تکنولوژی‌ها هم‌زمان در بخش‌های ملکی و نظامی قابل استفاده است، دسترسی حکومت چین به آن‌ها را به دلیل استفاده آن در بخش توسعه وسایل و تجهیزات نظامی صدمه به امنیت ملی‌شان می‌بندارد. این کشور به خصوص دسترسی چین به تکنولوژی پیش‌رفته و زیربنایی انقلاب چهارم صنعتی مانند 5G، وسایل هادی الکترونیکی (Semiconductors) و تکنولوژی فضایی که در مدرن‌سازی صنعت تکنولوژیکی نظامی نیز به کار برده می‌شود را تهدید بزرگ امنیت ملی خود می‌داند و تلاش دارد تا چین را از دسترسی به آن باز دارد. لذا به صورت بی‌پیشینه، رقابت بر سر تکنولوژی پیش‌رفته میان دو قدرت جریان دارد.

در سال ۲۰۱۹، ایالات متحده روی بزرگ‌ترین شرکت چینی «هوای» (Huawei) و شرکت تکنولوژی معلوماتی (ZTE) تعزیرات وضع و آن‌ها را از شراکت

با شرکت‌های تولید وسایل هادی الکترونیکی امریکایی منع کرد. این رویه با واکنش چین مواجه شد و این کشور، شرکت‌های تکنولوژی معلوماتی ایالات متحده مانند Qualcomm را تحریم کرد. به تعقیب آن، ایالات متحده ۳۳ نهاد چینی به شمول دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی در بخش تکنولوژی پیش‌رفته را تحریم کرد. از جمله شرکت ZTE چینی که از آن به عنوان غول تکنولوژی معلوماتی چین نام برده می‌شود. هم‌چنان دونالد ترامپ به محدود کردن اپلیکیشن‌های رسانه‌های مجازی چینی مانند WeChat و TikTok رو آورد.

ایالات متحده به منظور مهار چین از کسب تکنولوژی پیش‌رفته و اساسی برای انقلاب چهارم صنعتی، در پی تشدید همکاری‌ها و ائتلاف‌سازی تکنولوژیکی با متحدان خود است و اعلام کرده که در تلاش است تا با متحدان خود مانند کشورهای اتحادیه اروپا و جاپان به گسترش توسعه اقتصادی براساس اصول حاکمیت ملی و ارزش‌های بازار آزاد بپردازد.

در اگست ۲۰۲۰، ایالات متحده طرح ایجاد «شبکه پاک» (Clean Network) را پیشنهاد کرد. این طرح بیش‌تر به هدف انتقال دیتا (DATA) و معلومات مهم میان متحدان آمریکا طراحی شده است.

بنابراین، دولت‌ها و به خصوص قدرت‌های بزرگ، توسعه اقتصادی پایدارشان را بدون کسب تکنولوژی برتر در درازمدت سخت و مشکل می‌بینند و همین‌گونه نقش تکنولوژی در برتری صنعت نظامی نیز اساسی و مهم است. از آن‌جا که پایداری توسعه اقتصادی و برتری صنعت نظامی از عوامل بنیادی قدرت برتر جهانی است، از این جهت، میان ایالات متحده و چین رقابت جدی بر سر داشتن تکنولوژی برتر و یا تکنولوژی که اساس انقلاب چهارم صنعتی را تشکیل می‌دهد، رونما شده است و نتیجه آن روی نظم بین‌المللی آینده تعیین‌کننده خواهد بود.

منبع‌ها

1. technology cold war-2020, The era of chaos, the ASAN institute for policy studies.
2. Kapustina, larisa, lipkovaludmila, silinyakov, 2020, «US-China trade war: Causes and outcomes», <https://doi.org/10.1031>.
3. Me Bride, James and Chatzky, Andrew, 2014, Is Made in China 2025 a threat to Global Trade? Council on Foreign Relations: www.cfr.org/background/made-china-2015-threat-global-trade.
4. Made in China-2015: www.china-briefing.com/news.
5. Sardana, MMK, 2018, Causes and Consequences of the Escalating Trade War between the US and China, ISID discussion note.



دکترهنی اوبولگولومالداری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداری



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock

پروژه کاهش دهی خطرات ناشی از تغییر اقلیم
Climate-Induced Disaster Risk Reduction Project

اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در نظر دارد، قرارداد تهیه و تدارک ۱۶۰ بسته وسایل جمع آوری شیر و لوازم پرورس لبنیات برای دو مرکز در ولایت ننگرهار و جوزجان تحت قرارداد نمبر MAIL/UNDP/CDRRP/NCB/G-2021-019 را با شرکت خدمات لوژیستیک ممتاز نور، دارنده جواز نمبر(۵۲۰۷۹)، به قیمت مجموعی مبلغ /۰۰۰,۰۰۰,۹۹۹,۵۰۰ دو میلیون نو صد نو هزار پنجمصد افغانی اعطاء نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تدارکات، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری واقع جمال مینه ناحیه سوم، کابل، افغانستان وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.



وزارت صحت عامه
ریاست شفاخانه‌های تخصصی و ثالثی
شفاخانه ۱۰۲ بستر خیرخانه
مدیریت عمومی اداری
مدیریت تدارکات

اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد

موضوع: اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد (یک قلم نان خشک مورد ضرورت شفاخانه در سال ۱۴۰۰) نمبر تشخیصیه: MOPH-GDCM-HRP-KHH-NCB1400-G02

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل‌وسوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود (ریاست شفاخانه ۱۰۲ بستر خیرخانه) در نظر دارد قرارداد (یک قلم نان خشک مورد ضرورت این شفاخانه در سال ۱۴۰۰ را با (شرکت تجارتي برادران احسان مبشر) به قیمت مبلغ {۹۲۲۹۰۰} نصد بیست و دو هزار نصد افغان { عقد نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به {ریاست شفاخانه ۱۰۲ بستر خیرخانه} واقع {حصه دوم خیرخانه، لیسه مریم} وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی قرارداد منعقد نخواهد شد.

دیر بخش ویدیو: محمدنصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، شکیبا سعیدی، الیاس طاهری، احمدشاه شاداب، محمدزمان سهیل، نیازالله اصیل، شمیم فروتن شایق قاسمی، بهروز خاوری، معصومه عرفان، اعجازالحق سامی، زهرا عطایی ع. نظری، اسحق‌علی احساس رضا مرادی

ویراستاران: محمدنصیر کاوشگر
صفحه آرایی: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، شکیبا سعیدی، الیاس طاهری، احمدشاه شاداب، محمدزمان سهیل، نیازالله اصیل، شمیم فروتن شایق قاسمی، بهروز خاوری، معصومه عرفان، اعجازالحق سامی، زهرا عطایی ع. نظری، اسحق‌علی احساس رضا مرادی

پدیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمینی، کابل، افغانستان
صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



روزیت دیروز آینه امروز نوبت فردا

صاحب امتیاز: سانجر سهیل
مدیرمسوول: مجیب مهرداد
سرمدیر: خلیل اسیر
گزارشگر تحقیقی: حبیب بهش
دیر گزارش‌ها: حسین حیدری
دیر بخش خبر: علی شاه حقمیل
دیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای
دیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

sanjarsohail@yahoo.com
mujib_mehرداد@yahoo.com
8am.daily@gmail.com

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehرداد@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

اعتراض‌های گسترده به مدیریت همه‌گیری کرونا در تونس؛ نخست‌وزیر برکنار شد



قیس سعید، رییس جمهور تونس، نخست‌وزیر این کشور را برکنار و پارلمان را منحل کرده است. این اقدام در واکنش به تظاهرات گسترده در اعتراض به عملکرد دولت تونس در برابر همه‌گیری کووید-۱۹ صورت گرفته است. هزاران تظاهرکننده خشمگین یکشنبه گذشته در خیابان‌ها با پولیس درگیر شده بودند.

تظاهرکنندگان با سر دادن شعارهایی علیه حزب حاکم، خواهان انحلال پارلمان بودند.

به گزارش بی‌بی‌سی، بعضی از تظاهرکنندگان به دفاتر حزب حاکم، جنبش النهضة، حمله کرده و اقدام به تخریب اموال کرده بودند. آقای سعید با اعلام برکناری دولت، از تلاش برای بازگرداندن آرامش به کشور با کمک یک نخست‌وزیر جدید خبر داده است.

قیس سعید در یک سخنرانی تلویزیونی گفته است: «این تصمیم‌ها را اتخاذ کرده‌ایم... تا آرامش اجتماعی به تونس برگردد و کشور نجات داده شود.»

قیس سعید هشدار داده است که با استفاده از ارتش، با خشونت‌ها مقابله خواهد کرد.

آقای سعید گفته است: «به هر کسی که به فکر کاربرد اسلحه است و هر کسی که شلیک کند، هشدار می‌دهم که نیروهای مسلح در پاسخ شلیک خواهند کرد.» تظاهرکنندگان با شنیدن خبر برکناری هشام مشاشی از نخست‌وزیری، در خیابان‌ها به شادمانی پرداختند؛ اما مخالفان آقای سعید این اقدام را کودتا دانسته‌اند.

راشد غنوشی، رهبر جنبش النهضة، با محکوم کردن اقدام رییس جمهور، آقای سعید را به کودتا علیه انقلاب تونس و قانون اساسی متهم کرده است.

آقای غنوشی گفته است: «به نظر ما نهادها (نخست‌وزیری و پارلمان) هم‌چنان برقرار هستند و حامیان النهضة و مردم تونس از انقلاب دفاع خواهند کرد.» انقلاب تونس که ده سال پیش رخ داد، سرآغاز تغییرات سیاسی گسترده در جهان عرب بود که به بهار عربی مشهور شد.

تونس در حال حاضر درگیر بحران اقتصادی است و وضعیت همه‌گیری ویروس کرونا در این کشور وخیم است.

هشام مشاشی، نخست‌وزیر برکنار شده تونس، هفته گذشته وزیر بهداشت را برکنار کرده بود، ولی این تصمیم در کاهش ناراضی‌های گسترده موثر نبود.

افزایش موارد ابتلا به کرونا در آمریکا؛ آیا این کشور در جهت اشتباه به پیش می‌رود؟

با میزان واکسیناسیون کم‌تر، مانند فلوریدا، تگزاس و میسوری است.

هم‌چنین گفته شده که ۹۹.۵ درصد از مرگ‌ومیرهای مربوط به کرونا در میان افراد واکسین نشده اتفاق می‌افتد.

دکتر فاوچی در مصاحبه خود با شبکه خبری سی‌ان‌ان گفت که مقام‌های محلی در مناطقی که میزان واکسیناسیون آن‌ها پایین است، لازم است کارهای پیش‌تری برای تشویق مردم به تزریق واکسین انجام دهند.

او گفت: «از شنیدن این که فرمانداران جمهوری‌خواه آرکانزاس و فلوریدا واکسیناسیون را در ایالت‌هایشان تشویق می‌کنند، بسیار دلگرم شده است.» هر دوی این رهبران محلی در گذشته نسبت به توصیه‌های دکتر فاوچی انتقاد داشتند.

دکتر فاوچی مشاور اصلی جو بایدن، رییس جمهور کنونی آمریکا و سلف او، دونالد ترامپ، در مورد بیماری همه‌گیر کرونا بوده است.

او گفت که در حال گفت‌وگو برای تغییر دستورالعمل‌های مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌های ایالات متحده (CDC) در مورد استفاده از ماسک است. این مرکز می‌گوید، افرادی که کاملاً واکسین شده‌اند، می‌توانند فعالیت‌هایی را که قبل از همه‌گیری کرونا انجام می‌دادند، بدون استفاده از ماسک از سر بگیرند.

حالا دکتر فاوچی گفته که مقام‌های محلی می‌توانند قوانین خود را تحت راهنمای کنونی این مرکز وضع کنند. او اما یادآوری کرد که برخی از دولت‌های محلی برای جلوگیری از افزایش ابتلا، استفاده از ماسک در داخل اماکن عمومی را دوباره برقرار کرده‌اند.

در شهر لس‌آنجلس، اکنون استفاده از ماسک در اماکن سرپوشیده عمومی چه برای افراد واکسین شده و چه برای افراد واکسین نشده، ضروری است.

برجسته‌ترین متخصص بیماری‌های عفونی آمریکا هشدار داد که این کشور در زمینه مقابله با کرونا در جهت اشتباه پیش می‌رود.

دکتر آنتونی فاوچی گفت که نوع دلتا کرونا در مناطقی که میزان واکسیناسیون در آن پایین است، در حال افزایش است.

به گزارش بی‌بی‌سی، دکتر فاوچی، مشاور اصلی پزشکی جو بایدن، رییس جمهور آمریکا، روز یکشنبه به شبکه خبری سی‌ان‌ان گفت که مقام‌های بهداشتی آمریکا در حال بررسی و تجدید نظر در دستورالعمل‌های مربوط به ماسک‌ها برای افراد واکسین شده هستند تا افزایش موارد ابتلا را مهار کنند.

او گفت که تزریق دوز اضافی واکسین به افراد آسیب‌پذیر هم در دست بررسی است.

دکتر فاوچی گفت که وضعیت ویروس کرونا در ایالات متحده در حال تبدیل شدن به یک همه‌گیری در بین افراد غیرواکسینه است.

آمار رسمی نشان می‌دهد که بیش از ۱۶۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر، یا ۴۹٪ از جمعیت آمریکا، به‌طور کامل واکسین شده‌اند.

تا ماه اپریل، ایالات متحده در زمینه تزریق واکسین پیش‌رو بود، اما از آن زمان به بعد میزان واکسیناسیون در این کشور شروع به کاهش کرد.

میزان واکسیناسیون به‌ویژه در ایالت‌های جنوبی آمریکا پایین است، به‌طوری که در بعضی از مناطق حتی کم‌تر از نیمی از ساکنان اولین دوز واکسین را دریافت کرده‌اند.

در همین حال، پس از کاهش تعداد ابتلا به کرونا در ماه‌های می و جون، موارد ابتلائی روزانه به ویروس کرونا بار دیگر در حال افزایش است.

این روند، تا حدی به گسترش سریع نوع دلتا که اولین بار در هند مشاهده شد، نسبت داده شده است. بیش‌ترین افزایش در موارد ابتلا به کرونا در ایالاتی



ایران؛ کاهش ۱۲۰ هزار ازدواج در پنج سال گذشته

است، ولی در مورد طلاق در مدت ۵ سال گذشته روند رشد ۳ تا ۴ درصدی در هر سال مشاهده می‌شود. برای نمونه تعداد رویدادهای طلاق ثبت شده در سال ۹۹ با ۳.۶ درصد افزایش نسبت به سال ۹۸ از ۱۷۶ هزار و ۸۱۴ به ۱۸۳ هزار و ۱۹۳ رویداد طلاق در سال ۹۹ رسیده است. در سال ۹۹ طول مدت ازدواج ۱۱ هزار و ۷۱۵ طلاق ثبت شده کم‌تر از یک سال و طول مدت ازدواج ۵۱ هزار و ۲۷۰ رویداد طلاق ثبت شده بین یک تا پنج سال بوده است. از سوی دیگر ۷۸.۹ رویداد طلاق نیز با طول مدت ازدواج بالغ بر ۲۹ سال در سال ۹۹ به ثبت رسیده است.



از شمار ازدواج کاسته شده و طلاق رونق گرفته است. این خلاصه بخشی از آخرین گزارش مرکز آمار ایران در مورد «وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران» است. براساس گزارشی که مرکز آمار ایران منتشر کرده، تعداد ازدواج‌های کل این کشور که در سال ۱۳۹۵ معادل ۶۷۰ هزار بوده است و در سال ۱۳۹۹ ۵۵۰ هزار مورد کاهش یافته است. به گزارش رادیو زمانه، در همین دوره زمانی میزان طلاق سالیانه از ۱۷۵ هزار مورد به ۱۸۳ هزار مورد افزایش یافته است. بیش‌ترین میزان طلاق ثبت شده براساس مدت زندگی مشترک هم به بازه زمانی یک تا پنج سال اختصاص دارد که نشان می‌دهد اغلب موارد طلاق در گروه سنی تازه ازدواج کرده و جوان رخ داده است. اما در ازدواج‌های بادوام و طولانی‌مدت هم شاهد رشد عددی بوده‌اند. در مورد ازدواج‌هایی که ۲۹ سال و بیش‌تر دوام داشته‌اند، در سال ۱۳۹۵ تنها ۶۵۰۰ طلاق رخ داده، ولی این رقم برای سال ۱۳۹۹ به حدود ۷۸۰۰ طلاق افزایش یافته است. در حالی که شیب کاهش ازدواج در ایران تند



نقض قوانین بین‌المللی در امور مهاجرین از سوی اتحادیه اروپا

در آستانه ۷۰ ساله‌گی کنوانسیون پناهجویان جینوا، یک تن از اعضای شورای کارشناسان برای ادغام و مهاجرت، اتحادیه اروپا را به نقض بخش‌هایی از این کنوانسیون متهم کرده است. به گفته او، اتحادیه اروپا پناهجویان را تنها می‌گذارد. به گزارش دی‌ویچه‌وله فارسی، پیترا بندل، رییس شورای کارشناسان برای ادغام و مهاجرت، اتحادیه اروپا را به کوتاهی کردن در برابر پناهجویان متهم کرده و گفته است که این اتحادیه در بخش‌هایی قوانین بین‌المللی را در قسمت پناهجویان نقض کرده است. این دانشمند علوم سیاسی در دانشگاه ایرلینگ شهر نورنبرگ به خبرگزاری آلمان گفته است: «یادبود از هفتادساله‌گی این کنوانسیون باید انگیزه و تلنگری باشد به زنان و مردان اروپایی که آنان در برابر پناهجویان مسوولیت دارند.» او افزوده است: «باید با صراحت انگشت انتقاد گذاشته شود که این مسوولیت‌ها چندین بار نقض شده است.»

این کنوانسیون روز چهارشنبه هفتادساله می‌شود و سنگ‌بنای قوانین جهانی پناهجویان به شمار می‌رود. کنوانسیون پناهجویان جینوا حق پناهنده‌گی و حمایت از انسان‌هایی را تضمین می‌کند که در کشورهای خود به دلیل مسایل «نژادی، مذهبی و ملیتی» و یا هم به دلیل تعلقات به یک گروه مشخص اجتماعی و یا به دلیل جهان‌بینی سیاسی خود با آزار و تعقیب مواجه‌اند. این کنوانسیون به تاریخ ۲۸ ماه جولای ۱۹۵۱ به تصویب رسیده است.

خانم بندل با اشاره به وضعیت پناهجویان، از کشتی‌های پناهجویان در حومه جزایر یونان یاد کرده است که با اجبار دوباره به سمت ترکیه برگشت داده می‌شوند. هم‌چنان از محافظان ساحلی لیبیا که توسط اتحادیه اروپا تمویل می‌شوند، یادآور شده است که کشتی‌های پناهجویان را در مسیر راه متوقف کرده و دوباره به لیبیا می‌فرستند.

به گفته وی، یکی از عناصر اصلی کنوانسیون پناهجویان جینوا، این است که انسان‌ها نباید به کشورهایی برگشت داده شوند که در آن تضمین امنیتی ندارند. وی تأکید کرد: «قابل قبول نیست که کشورهای عضو اتحادیه اروپا، این اصل را نقض کنند.»